



پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

گزارش کارشناسی

تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع
رمزارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی و
قوانین کشور

MBRI - PR - 9909

پائیز ۱۳۹۹

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی	تحلیل ماهیت، استخراج و مبادله انواع رمزارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی و قوانین کشور
تهیه‌کنندگان	دکتر حسین میثمی و زینب بیابانی
ناظر علمی	دکتر رسول خوانساری
داوران	دکتر سید عباس موسویان، مهندس حسین یعقوبی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی (وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) و هر نوع برداشت از آن با ذکر منبع بلامانع است.

چکیده

استفاده از رمزارزها و توکن‌ها در نظام اقتصادی و مالی با سرعت قابل توجهی در سطح بین‌المللی رو به رشد است و انتظار می‌رود در آینده استفاده از این روش‌ها در اقتصاد کشور نیز توسعه پیدا کند. بر این اساس، شناسایی دقیق ماهیت و کارکردهای این پدیده مستحدث و جدید در راستای بسترسازی مقرراتی مناسب برای آن‌ها دارای اهمیت است.

این تحقیق تلاش می‌کند تا ضمن موضوع‌شناسی ماهیت، رویکردهای مقررات‌گذاری و گونه‌شناسی انواع رمزارزها و توکن‌ها، شامل: رمزارزهای جهان‌روا، رمزارز بانک مرکزی (CBCC) و توکن‌های بهادار و کاربردی، ابعاد فقهی موضوع را شناسایی کند. یافته‌های تحقیق که به روش تحلیلی-توصیفی و در قسمت‌های فقهی با رویکرد اجتهادی به دست آمده است، نشان می‌دهد زیرساخت‌های پذیرش رمزارزها به‌عنوان ابزار، راهکار یا نهاد منطبق با شریعت فراهم است. برخی از این زیرساخت‌های فقهی عبارت‌اند از: اصل صحت و لزوم قراردادهای، عرفی بودن مفهوم پول، عرفی بودن مفهوم مال و مالیت و پذیرش تمامی انگیزه‌های عقلایی در چهارچوب شریعت.

با این حال در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا (مانند بیت‌کوین) دو چالش «عدم احراز مالیت» و «غرر» به‌صورت جدی قابل تأمل است. در زمینه مالیت، مباحثی چون نبود عرف عام، فقدان معتبر (اعتباردهنده) و مسئولیت‌پذیری قانونی و همچنین احتمال توهم مالیت قابل تأمل است و در زمینه غرر نیز نوسانات شدید و غیرضابطه‌مند این نوع رمزارزها قابل ذکر است. با توجه به این موارد، می‌توان مدعی بود که نه مالیت رمزارزهای جهان‌روا قابل احراز است و نه عدم مالیت آن‌ها و به همین دلیل استفاده از آن‌ها در عمل می‌تواند با شبهه شرعی مواجه باشد.

همچنین، شبهات و چالش‌های فقهی ذکر شده صرفاً در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا قابل تصور بوده و هیچ‌یک از آن‌ها در رابطه با رمزارز بانک مرکزی و یا توکن‌های بهادار یا کاربردی قابل طرح نیست. چراکه رمزارز بانک مرکزی دقیقاً مانند ریال تحت نظارت و کنترل قانونی بانک مرکزی است و توکن‌ها نیز تحت نظارت و پاس‌خگویی ارائه‌دهندگان خود هستند. لذا این دسته از رمزارزها معتبر قانونی و مشخص دارند و شبهه‌ای در رابطه با آن‌ها به‌صورت ذاتی قابل تصور نیست. علاوه بر این، شبهات مذکور فقط مبادله رمزارزهای جهان‌روا در داخل کشور را با چالش فقهی مواجه می‌سازد و لذا استخراج آن‌ها به‌عنوان «یک کالای صادراتی» به لحاظ شرعی بلاشکال است.

کلمات کلیدی: رمزارز، توکن، فقه اسلامی، ایران، قانون‌گذاری



فهرست مطالب

۱	مقدمه	۳
۲	سابقه تحقیق	۶
۳	موضوع‌شناسی رمزارزها و توکن‌ها به‌عنوان پدیده‌ی مستحدث	۸
۳-۱	تعریف و ماهیت رمزارز	۸
۳-۲	منافع و مخاطرات استفاده از رمزارزها و توکن‌ها	۱۲
۳-۲-۱	مزیت‌ها	۱۲
۳-۲-۱-الف	سرعت بالا در مبادلات	۱۲
۳-۲-۱-ب	هزینه‌های پایین‌تر	۱۳
۳-۲-۱-پ	شفافیت	۱۳
۳-۲-۱-ت	پرداخت فرامرزی	۱۳
۳-۲-۲	چالش‌ها و ریسک‌ها	۱۴
۳-۲-۲-الف	نوسانات شدید قیمتی	۱۴
۳-۲-۲-ب	کاربردهای غیرقانونی	۱۴
۳-۲-۲-پ	از دست دادن دارایی	۱۴
۳-۲-۲-ت	ریسک تضعیف قدرت بانک مرکزی	۱۴
۳-۳	گونه‌شناسی انواع رمزارزها و توکن‌ها	۱۵
۳-۳-۱	رویکرد بانک تسویه بین‌المللی (مفهوم گل پول)	۱۵
۳-۳-۱-الف	همتا به همتا یا غیرمتمرکز بودن	۱۵
۳-۳-۱-ب	صادرکننده (بانک مرکزی یا غیرآن)	۱۶
۳-۳-۱-پ	دیجیتال یا غیردیجیتال بودن	۱۶
۳-۳-۱-ت	گسترده یا محدود بودن دسترسی	۱۶
۳-۳-۲	رویکرد جغرافیایی	۱۸
۳-۳-۲-الف	رمزارز جهان‌روا	۱۸
۳-۳-۲-ب	رمزارز بانک مرکزی (CBCC)	۱۸
۳-۳-۲-پ	رمزارز منطقه‌ای	۱۸
۳-۳-۲-ت	توکن	۱۸
۳-۳-۳	رویکرد کاربردی (رویکرد FCA و FINMA)	۱۸
۳-۳-۳-الف	توکن پرداخت یا مبادلاتی	۱۹
۳-۳-۳-ب	توکن بهادار یا دارایی	۱۹
۳-۳-۳-پ	توکن کاربردی	۱۹
۳-۴	ارائه طبقه‌بندی انواع توکن‌ها و رمزارزها (رویکرد منتخب تحقیق)	۱۹
۳-۴-۱	توکن پرداخت	۲۰
۳-۴-۱-الف	توکن پرداخت در بستر دفتر کل توزیع شده عام	۲۰
۳-۴-۱-ب	توکن پرداخت در بستر دفتر کل توزیع شده خاص	۲۱
۳-۴-۲	توکن بهادار	۲۱



- ۳-۴-۳ توکن کاربردی ۲۱
- ۳-۵-۳ گونه‌شناسی رویکردهای مقررات‌گذاری رمزارزها در سطح جهانی ۲۱
- ۳-۵-۳ عدم ممنوعیت ۲۲
- ۳-۵-۳ ممنوعیت کلی ۲۳
- ۳-۵-۳ ممنوعیت بخشی ۲۴
- ۳-۵-۳ عدم اتخاذ موضع دقیق در خصوص ممنوعیت یا عدم ممنوعیت ۲۵
- ۴ حکم‌شناسی: استخراج احکام فقهی انواع رمزارزها و توکن‌ها ۲۶
- ۴-۱-۴ زیرساخت‌های فقهی ۲۷
- ۴-۱-۴ اصل صحت و لزوم قراردادها ۲۷
- ۴-۱-۴ عرفی بودن مفهوم پول ۲۸
- ۴-۱-۴ عرفی بودن مفهوم مال و مالیت ۲۸
- ۴-۱-۴ پذیرش تمامی انگیزه‌های عقلایی در چهارچوب شریعت ۲۹
- ۴-۲ چالش‌های فقهی: ضوابط شریعت در حوزه رمزارزها ۲۹
- ۴-۲-۱ مالیت ۳۲
- الف- دلایل فقهی پذیرش مالیت رمزارزهای جهان‌روا ۳۳
- * کافی بودن وجود عرف عام یا خاص (معیار بودن عرضه و تقاضا) ۳۳
- * شفافیت بالا به دلیل متن‌باز بودن رمزارزهای جهان‌روا ۳۴
- ب- دلایل فقهی عدم پذیرش مالیت رمزارزهای جهان‌روا ۳۴
- * ضرورت وجود عرف عام و کافی نبودن عرف خاص ۳۴
- * نبود معتبر (اعتباردهنده) و مسئولیت‌پذیری قانونی ۳۶
- * احتمال ایجاد اخلاق و مسئله توهم مالیت ۳۸
- ۴-۲-۲ غرر ۳۹
- الف- دلایل فقهی نبود غرر در معاملات رمزارزهای جهان‌روا ۳۹
- ب- دلایل فقهی وجود غرر در معاملات رمزارزهای جهان‌روا ۴۰
- ۴-۳ احکام استخراج و مبادله ۴۰
- ۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۴۱
- ۶ توصیه‌های سیاستی ۴۲
- * منابع و مأخذ ۴۳
- الف- منابع فارسی و عربی ۴۳
- ب- منابع انگلیسی ۴۴



۱ مقدمه

توسعه دانش رمزنگاری و شبکه در دوره اخیر زمینه ایجاد اصلاحات اساسی در ساختار نظام‌های اقتصادی، مالی و پولی را فراهم کرده است که یکی از مهم‌ترین نتایج این تحولات، ایجاد پدیده‌های نوینی مانند رمزارزها^۱ و توکن‌ها^۲ هستند. این پدیده‌ها با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های فناوری موجود به‌ویژه «زنجیره بلوک»^۳ و «دفاتر کل توزیع‌شده»^۴ تلاش می‌کنند تا فرصت‌های جدیدی را در راستای ساده‌سازی مبادلات، کاهش هزینه‌ها، افزایش سرعت و امنیت مبادلات، و غیره پیش‌روی اقتصادهای امروزی قرار دهند (چیو و کوپل^۵، ۲۰۱۹، ص. ۵).

همانند تحولات جهانی و توسعه روزافزون رمزارزها در سطح بین‌المللی، در اقتصاد کشور نیز در سال‌های اخیر استفاده از رمزارزها به‌ویژه بیت‌کوین توسعه روزافزونی پیدا کرده است. بر همین اساس قانون‌گذاران، مقررات‌گذاران، و ناظر (به‌ویژه بانک مرکزی جمهوری اسلامی) تلاش‌هایی را در جهت مقررات‌گذاری در این حوزه آغاز کرده‌اند. هدف از این تلاش‌ها مدیریت تأثیرات بالقوه رمزارزها در بازارهای پولی و مالی کشور و بسترسازی استفاده حداکثری از فرصت‌های این پدیده، بدون ایجاد هزینه‌ها و چالش‌های احتمالی است. به‌طور خاص، مواردی مانند جلوگیری از ایجاد بحران‌های اقتصادی-اجتماعی، حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان، کاهش ریسک بازیگران و ذی‌نفعان، کاهش تقلب و جلوگیری از پول‌شویی از اهداف سیاست‌گذاران در مقررات‌گذاری رمزارزها در کشور است.

در این راستا تاکنون سه اقدام مشخص ذیل در حوزه مقررات‌گذاری رمزارزها در کشور انجام شده است که عبارت‌اند از:
الف- مصوبه شورای عالی مبارزه با پول‌شویی در اردیبهشت ۱۳۹۷ (ممنوعیت خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا توسط نهادهای پولی و مالی)؛

ب- «تصویب‌نامه هیئت‌وزیران در بحث استخراج رمزارز» در مرداد ۱۳۹۸ (ممنوعیت استفاده از رمزارزهای جهان‌روا در مبادلات داخل کشور و مجاز بودن استخراج آن‌ها با هدف صادرات)؛ و
پ- «پیش‌نویس سیاست‌نامه بانک مرکزی» در بهمن ۱۳۹۷ (بدون جایگاه قانونی).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تاکنون هیچ قانون مشخصی توسط مجلس شورای اسلامی در رابطه با رمزارزها و توکن‌ها به تصویب نرسیده است و بانک مرکزی نیز تاکنون هیچ‌گونه مقررات‌گذاری رسمی (با تأیید نهادهای ذی‌ربط مانند شورای پول و اعتبار یا شورای فقهی بانک مرکزی) در این رابطه نداشته است. به نظر می‌رسد این موضوع دلایل گوناگونی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسئله **انطباق با شریعت**^۶ است. در واقع، بر اساس قانون اساسی و قوانین مرجع پولی و بانکی از جمله قانون عملیات بانکی بدون ربا، هر نوع قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری در رابطه با پدیده‌ها، ابزارها، و نهادهای اقتصادی لازم است با در نظر گرفتن ملاحظات فقه اسلامی باشد (شکل ۱ ملاحظه شود).

^۱ Cryptocurrency

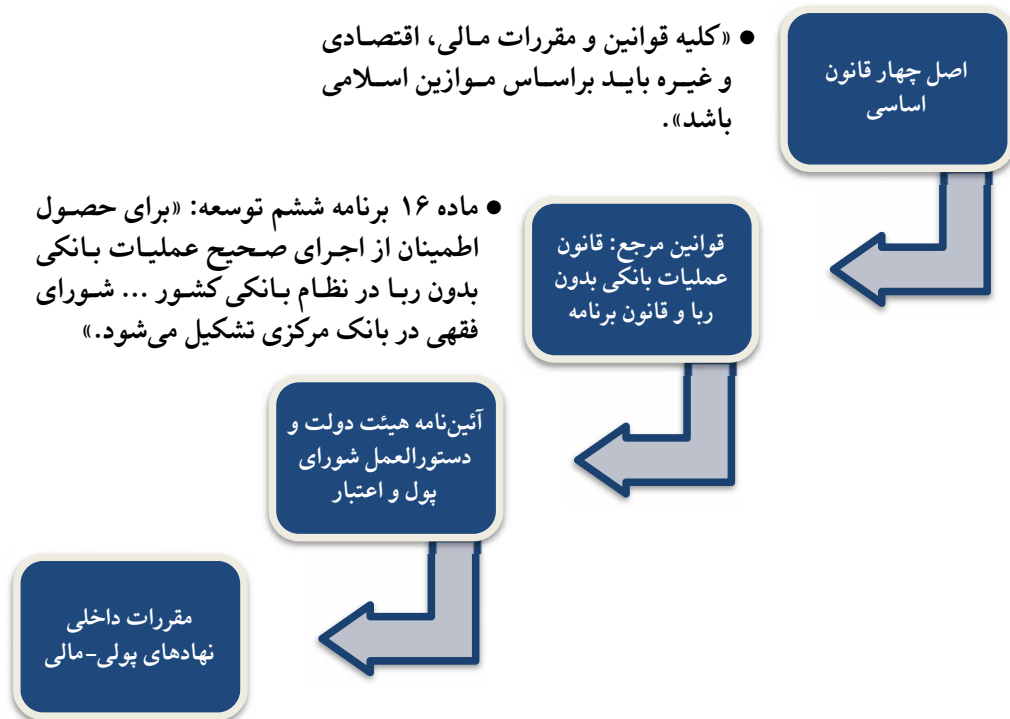
^۲ Token

^۳ Blockchain

^۴ Distributed Ledger Technology, DLT

^۵ Chiu and Koepl

^۶ Shariah Compliance



شکل ۱. سلسله‌مراتب مقررات‌گذاری رمزارزها و توکن‌ها در کشور (با تأکید بر مسئله انطباق با شریعت)

همان‌طور که در این شکل ملاحظه می‌شود جهت ارائه بستر قانونی مناسب جهت توسعه استفاده از رمزارزها در کشور لازم است قانون، آئین‌نامه، دستورالعمل اجرایی، و مقررات داخلی و اختصاصی برای رمزارزها و توکن‌ها وجود داشته باشد که تاکنون هیچ‌یک از این مراحل مقررات‌گذاری انجام نشده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این موضوع (در کنار مباحثی مانند جدید بودن و یا دغدغه سیاست‌گذار در تبدیل رمزارزها به پول در جریان و ایجاد اخلاص در مدیریت پولی)، فراهم نبودن بسترهای فقهی و وجود برخی ابهامات و شبهات شرعی باشد. به‌عنوان مثال، همان‌طور که در جدول ۱ بیان شده است، برخی از مراجع تقلید در رابطه با استفاده از رمزارزها اعلام وجود شبهه و ابهام نموده‌اند.



جدول ۱. استفتائات مراجع در مورد بیت‌کوبین

آیات عظام	جواب استفتاء در خصوص استفاده از بیت‌کوبین در مبادلات (استفتاء سایت هدانا از دفاتر مراجع در تیرماه ۱۳۹۸)
مقام معظم رهبری	مقام معظم رهبری در این زمینه فتوای صریحی نداده‌اند (این به این معنا نیست که استفاده از این پول اشکال ندارد، بلکه مقلدین ایشان باید با رعایت الاعم فالاعلم به مراجع دیگر رجوع کنند).
مکارم شیرازی	با توجه به ابهامات زیادی که بیت‌کوبین دارد، معامله آن اشکال دارد.
هاشمی شاهرودی	با توجه به ابهامات فراوانی که این نوع معامله دارد، استفاده از این پول جایز نیست.
سیستانی	معظم‌له، فعالیت مذکور را اجازه نمی‌دهند.
وحید خراسانی	خریدوفروش آن باطل است.
نوری همدانی	ورود در این معاملات اشکال دارد.
صافی گلپایگانی	حرام و اکل مال به باطل است.
شیرازی زنجانی	چنانچه استفاده از این‌گونه ارزها نوعاً مفسده اقتصادی داشته یا خلاف قانون باشد، خریدوفروش آن اشکال دارد.
صانعی	اگر پول باشد و یا طرفین معامله آن را به‌عنوان پول یا چیزی که دارای ارزش است بشناسند، استفاده از آن مانعی ندارد.

منبع: استفتائات انجام‌شده در مورد بیت‌کوبین توسط سایت هدانا، تیرماه ۱۳۹۸.^۱

در تحلیل استفتائات مراجع، لازم است به یک نکته مهم فقهی توجه شود. به لحاظ فقهی در رابطه با صحت معاملات یک شیء سه حالت می‌تواند وجود داشته باشد که عبارت‌اند از:

الف- احراز صحت

ب- احراز بطلان

پ- عدم احراز صحت یا بطلان

احراز صحت بدان معنی است که وجود شرایط صحت معامله (از جمله مالیت) برای فقیه احراز می‌شود و لذا حکم به صحت معامله داده می‌شود (مثلاً خریدوفروش اکثر کالاهای مجاز). احراز بطلان نیز یعنی نبود شرایط صحت معامله احراز شده است و لذا فقیه حکم به بطلان معامله می‌دهد (مثلاً خریدوفروش شراب یا معاملات مجنون). درنهایت، عدم احراز صحت یا بطلان بدان معنی است که فقیه نه می‌تواند صحت معامله را احراز کند و نه بطلان آن را و در اینجا هم حکم به بطلان معامله داده می‌شود (مثلاً معاملات انگشتی که در یاقوت یا بدل بودن آن شک وجود دارد).

آنچه از فتاوی مراجع تقلید در رابطه با بیت‌کوبین برداشت می‌شود، نشان‌دهنده حالت سوم است. در واقع به دلیل وجود ابهام و عدم شفافیت در ماهیت این پدیده، صحت آن قابل احراز نیست؛ زیرا حتی اگر بخشی از یک پدیده یا

^۱ جهت دریافت جزئیات بیشتر در مورد این استفتائات به تارنمای ذیل مراجعه شود:



موضوع هم مبهم باشد، بازهم شرایط صحت معامله احراز نمی‌شود و به‌ناچار حکم به بطلان داده می‌شود (تا زمانی که ابهامات مذکور از بین برود).^۱

با توجه به آنچه مطرح شد، این تحقیق تلاش می‌کند تا ضمن موضوع‌شناسی پدیده رمزارزها و توکن‌ها چه از منظر علمی و نظری (با استفاده از جدیدترین منابع علمی موجود) و همچنین تجارب کشورهای مختلف در مقررات‌گذاری رمزارزها، به تحلیل ابعاد فقهی آن‌ها بپردازد. در واقع، سه موضوع ماهیت، استخراج، و مبادله انواع رمزارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دیدگاه‌های مختلف تبیین می‌گردد. بر این اساس، سؤالاتی که در این پژوهش (به روش تحلیلی-توصیفی و در قسمت‌های فقهی، با رویکرد اجتهادی) به آن‌ها پاسخ داده می‌شود عبارت‌اند از:

الف- موضوع‌شناسی نظریه و تجربه کشورهای مختلف در مقررات‌گذاری انواع رمزارزها و توکن‌ها چه نکاتی را به همراه دارد؟

ب- زیرساخت‌های فقهی قابل‌طرح در رابطه با رمزارزها و توکن به‌عنوان پدیده‌ای مستحدث کدام است؟

پ- چالش‌ها و شبهات شرعی قابل‌طرح در رابطه با انواع رمزارزها و توکن‌ها چیست؟ مهم‌ترین دلایل موافق و مخالفان در این رابطه کدام است؟

ساختار تحقیق بدین صورت است که پس از مقدمه و سابقه تحقیق، ابتدا به موضوع‌شناسی رمزارزها و توکن‌ها پرداخته شده و در این قسمت گونه‌شناسی انواع رمزارزها و توکن‌ها، انواع دیدگاه‌های مقررات‌گذاری در رابطه با آن‌ها، و غیره مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه، به حکم‌شناسی و استخراج احکام فقهی انواع رمزارزها و توکن‌ها پرداخته می‌شود. در این قسمت زیرساخت‌های فقهی، چالش‌های فقهی، و احکام استخراج و مبادله ارائه می‌شود. بخش پایانی نیز به جمع‌بندی و ارائه توصیه‌های سیاستی می‌پردازد.

۲ سابقه تحقیق

هرچند در دوره‌های اخیر تحقیقات گوناگونی در حوزه اقتصاد و مالی اسلامی انجام شده است، با این حال، تحقیقات کمی به مقوله ارزیابی فقهی یا قانونی رمزارزها اختصاص پیدا کرده است که در ادامه به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود.

^۱ لازم به ذکر است که اساساً معامله یعنی مبادله یک شیء با شیء دیگر (معمولاً مبادله پول با کالا) و انتقال مالکیت بین طرفین. لذا زمانی فقیه می‌تواند حکم شرعی مبنی بر جایز بودن یک مبادله دهد که شرایط صحت معامله از جمله مالیت برایش احراز شده باشد. لذا اگر شرایط صحت احراز نشده باشد، نمی‌توان حکم به صحت معامله داد. به عبارت دیگر، احراز شرایط صحت از جمله مالیت، رکن اصلی در صحیح بودن معاملات محسوب می‌شود.



عیوضلو و همکاران (۱۳۹۸) به تحلیل فقهی- حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مبادله رمزارزهایی مانند بیت‌کوین (با سازوکار اثبات کار قابل استخراج) به دلیل نقض در عدالت توزیعی به علت سازوکار خلق پول در پروتکل اثبات کار، از حیث فقه حکومتی باطل است. همچنین از حیث فقه معاملات نیز به دلیل ابهام در ماهیت این نوع رمزارزها که به عنوان یکی از عوضین قرار می‌گیرند، مبادلات آنها باطل است.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳) در گزارش خود پس از مروری اجمالی بر تاریخچه بیت‌کوین، سازوکار آن را بیان کرده و به تجربه قانون‌گذاری سه کشور آمریکا، آلمان و چین که در قوانین خود بیت‌کوین را به‌مثابه یک کالا در نظر گرفته‌اند، پرداخته است.

سید حسینی و دعایی (۱۳۹۳) در گزارش خود بعد از بیان تاریخچه، مبانی فنی بیت‌کوین را تبیین کرده‌اند و در ادامه به فرصت‌ها و چالش‌های پول رمزنگاری شده پرداخته‌اند. نویسندگان این گزارش بحث قانون‌گذاری را مهم‌ترین چالش این پول‌ها دانسته و کشورها را بر اساس رویکرد خویش نسبت به بیت‌کوین در چهار گروه قرار داده‌اند: گروه اول کشورهایی که منع قانونی ندارند و عمدتاً در حال تدوین قوانین و مقررات هستند؛ گروه دوم کشورهایی که نسبت به بیت‌کوین بدبین بوده و به دنبال وضع قوانین جهت ممنوعیت هستند؛ گروه سوم کشورهایی هستند که استفاده از بیت‌کوین را صراحتاً غیرقانونی اعلام کرده‌اند؛ و گروه آخر نیز کشورهایی که هنوز موضع مشخصی در این خصوص اتخاذ نکرده‌اند.

سلیمانی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود بعد از ماهیت‌شناسی پول‌های مجازی، به بررسی فقهی این پول‌ها می‌پردازند. نویسندگان این مقاله با بررسی پول و ماهیت آن از دیدگاه اندیشمندان اسلامی چالش‌های احتمالی در مشروعیت پول مجازی را مطرح کرده‌اند. آن‌ها با پذیرفتن نظریه «اعتباری بودن پول» به استفاده از پول‌های رمزنگاری شده مشروعیت داده و تنها نقطه چالش برانگیز آن را ایجاد اختلال در اقتصاد می‌دانند.

میرزاخانی (۱۳۹۶) در گزارش خود معتقد است برای بررسی بیت‌کوین از منظر فقه باید آن را در دو سطح شخصی و حکومتی مورد تحلیل قرار داد. به اعتقاد وی، آنچه در زمینه صحت شرعی بیت‌کوین بیشتر مورد اهمیت است، جنبه‌های فقه حکومتی از جمله قواعد فقهی لاضرر، اختلال نظام، اتلاف، و عدالت است که باید آن‌ها را در خصوص بیت‌کوین مورد تأمل قرار داد. وی با استناد به قواعد مذکور نتیجه می‌گیرد تا زمانی که سازوکاری از سوی حاکمیت برای کنترل پول‌های مجازی در اقتصاد واقعی ترتیب داده نشده است، باید از ورود این‌گونه پول‌ها به دنیای واقعی جلوگیری کرد.

نواب‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود پس از بررسی ساختار و سازوکار بیت‌کوین، با اتکا به موضوع‌شناسی انجام شده، پرسش‌های مختلفی را در رابطه با پول، معامله، و استفاده و استخراج پول رمزنگاری شده مطرح و سپس به آن‌ها پاسخ داده‌اند. نویسندگان در این مقاله پس از بررسی جوانب فقهی موضوع، نظر ۱۳ نفر از مراجع تقلید را در زمینه پول‌های رمزنگاری شده ارائه کرده‌اند.

خردمند (۱۳۹۸) در مقاله خود با استفاده از روش تحلیلی به تحلیل فقهی فعالیت‌های مورد انجام در فرایند تولید (استخراج) و مبادله رمزارزها، با تمرکز بر شبکه بیت‌کوین می‌پردازد. بر اساس یافته‌های وی، تجارت رمزارزها در صورت رعایت شروط عمومی معاملات تجاری، از منظر فقهی مجاز است.



ایوانزا^۱ (۲۰۱۵) در مقاله خود جایگاه بیت‌کوین در بانکداری اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است بیت‌کوین در مقایسه با پول‌های اعتباری (اسکناس) بدون پشتوانه با قاعده «ممنوعیت ربا» در اسلام تطابق بیشتری دارد. به نظر وی، در پول بدون پشتوانه با پدیده خلق پول و به تبع آن کاهش ارزش پول مواجه هستیم، در صورتی که چنین مسئله‌ای در بیت‌کوین مصداق پیدا نمی‌کند؛ زیرا به مرور و در طی زمان استخراج می‌شود (مثل طلا) و اصل آن نیز در ۲۱ میلیون ثابت است.

مفتی آدم (۲۰۱۷) در گزارش خود و در پاسخ به این سؤال که آیا بیت‌کوین بر اساس معیارها و قوانین اسلامی به‌عنوان پول مورد پذیرش قرار می‌گیرد یا خیر؟ به این نتیجه رسیده است که بر اساس قوانین اسلامی در حوزه پول، می‌توان بیت‌کوین را پول اسلامی محسوب کرد. وی در نهایت بیت‌کوین را به‌عنوان پولی که همه شاخصه‌های پول اسلامی را داراست می‌پذیرد و به گسترش ابزارهای مالی اسلامی بر اساس بیت‌کوین توصیه می‌کند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عمده مباحث ارائه‌شده در رابطه با پدیده رمزارزها در سابقه پژوهش‌های فقهی به مسئله بیت‌کوین که یکی از انواع رمزارزهای جهان‌رواست، اختصاص پیدا کرده است. این در حالی است که این پژوهش هم در حوزه موضوع‌شناسی و هم در زمینه تحلیل فقهی و حکم‌شناسی بین انواع رمزارزهای جهان‌روا، رمزارز بانک مرکزی، توکن‌های بهادار و توکن‌های کاربردی تفاوت قائل شده و این‌گونه‌ها به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این منظر تحقیق دارای ارزش افزوده است و امید است به بسترسازی فقهی برای مقررات‌گذاری در حوزه رمزارزها و توکن‌ها در کشور یاری رساند.

۳ موضوع‌شناسی رمزارزها و توکن‌ها به‌عنوان پدیده مستحدث

اولین گام در تحلیل فقهی رمزارزها و توکن‌ها موضوع‌شناسی صحیح در رابطه با آن‌هاست. چرا که موضوع‌شناسی بستر تحلیل‌های فقهی آتی را فراهم می‌کند. بر این اساس، در این قسمت به موضوع‌شناسی مختصر پدیده رمزارز بر اساس نظریه و تجارب سایر کشورها پرداخته می‌شود.

۳-۱ تعریف و ماهیت رمزارز

یکی از جدیدترین نوآوری‌ها در عرصه فناوری‌های مالی که روندی تکاملی و پرشتاب را دنبال می‌کند و به نظر می‌رسد با طراحی خلاقانه بتواند نظام‌های مالی را دستخوش تغییر کند رمزارز است. رمزارزها که معروف‌ترین آن‌ها بیت‌کوین است، پروتکل‌هایی ضروری هستند که در طراحی آن‌ها از فناوری رمزنگاری استفاده شده و امکان اعتبارسنجی تراکنش‌ها را بدون نیاز به شخص ثالث قابل اطمینان (مانند یک بانک، شرکت، کارت اعتباری، و یا مراکز ثبت) فراهم می‌کنند. مفهوم اولیه بیت‌کوین توسط شخص یا گروهی برنامه‌نویس ناشناس با عنوان ساتوشی ناکاموتو^۲ در سال ۲۰۰۹ و در بستر فناوری زنجیره بلوک ارائه شد. از آن زمان تاکنون، ارزش‌های رمزنگاری‌شده متعددی عموماً بر همین اساس، اما با شاخص‌هایی متفاوت (نظیر زبان برنامه‌نویسی، زمان بلوک، و هدف و کاربری) ایجاد و عرضه شده‌اند.

^۱ Evans

^۲ Satoshi Nakamoto



از آنجایی که رمزارزها پدیده‌ای نوظهور هستند، طبقه‌بندی رسمی و تعریف واحدی برای آن‌ها در مراجع مختلف ارائه نشده است. در واقع، تعریف واژگان یکی از مسائل چالشی حال حاضر حوزه بانکداری الکترونیک است و حتی در برخی مواقع واژه‌هایی با کاربردهای مجزا به جای هم استفاده می‌شوند. مفهوم رمزارز نیز با چنین چالشی مواجه است. برخی آن را معادل ارز دیجیتال و یا ارز مجازی می‌دانند و برخی در عمل تفاوتی بین این مفهوم و توکن قائل نمی‌شوند. این در حالی است که ارز مجازی، ارز دیجیتال، و رمزارز سه مفهوم مجزا با کاربردهای متفاوت هستند و مفهوم رمزارز نیز متفاوت از مفهوم توکن است. مرز بین سه واژه ارز دیجیتال، ارز مجازی، و رمزارز را صندوق بین‌المللی پول در تصویر زیر شفاف کرده است (صندوق بین‌المللی پول^۱، ۲۰۱۶، ص. ۸).



شکل ۲. ارتباط رمزارز با ارز دیجیتال و ارز مجازی

ارز دیجیتال عام‌ترین مفهوم این حوزه است. ارزهای دیجیتال به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند و غیرملموس هستند؛ مانند موجودی حساب در کارت بانکی که نماینده اسکناس‌های رایج ولی با سازوکاری غیرفیزیکی است. ارز مجازی زیرمجموعه‌ای از ارز دیجیتال است؛ این نوع ارز لزوماً با پول بانکی ارتباط ندارد؛ این ارزها از دو منظر، قابل تبدیل و غیرقابل تبدیل تقسیم می‌شوند. ارز مجازی غیرقابل تبدیل امکان تبدیل شدن به پول‌های رایج بانکی را ندارد؛ همانند پول‌هایی که در بازی‌های کامپیوتری وجود دارند و تنها امکان استفاده در محیط بازی برای آن‌ها متصور است. ارزهای مجازی قابل تبدیل خود به دو گروه متمرکز^۲ و غیرمتمرکز تقسیم می‌شوند. مشهورترین مثال برای ارزهای مجازی قابل تبدیل وب‌مانی^۳ است. بر اساس دسته‌بندی صندوق بین‌المللی پول، نهایتاً آن دسته از ارزهای مجازی قابل تبدیل که غیرمتمرکز نیز هستند رمزارز تعریف شده‌اند. به عبارت بهتر، رمزارز همچون بیت‌کوین نوعی ارز مجازی است که از قابلیت

^۱ International Monetary Fund, IMF

^۲ منظور از متمرکز بودن، انتشار و کنترل ارز توسط یک نهاد مرکزی است.

^۳ Web Money



تبدیل شدن به پول رایج برخوردار است و هیچ‌گونه وابستگی به یک نهاد مرکزی همچون بانک مرکزی ندارد. لذا توجه به این نکته ضروری است که همه رمزارزها ارز مجازی و ارز دیجیتال هستند، ولی برعکس آن لزوماً صادق نیست (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶، ص. ۸).

یکی دیگر از اشتباهات مصطلح در ادبیات عرفی این حوزه به مفاهیم توکن و رمزارز برمی‌گردد. باید توجه داشت که توکن، نماینده یک دارایی تأییدشده و دارای ارزش مانند ارز، حواله، آیت‌های بازی‌های کامپیوتری و... است. بر اساس تعریف نهاد نظارت بر بازارهای مالی انگلستان^۱، توکن یک موجودیت رمزینه است که یک ارزش واقعی یا مجازی را در بستر پلتفرم زنجیره بلوک نمایندگی می‌کند. در واقع، می‌توان گفت که معمولاً رمزارزها توکن هستند، ولی توکن‌ها لزوماً رمزارز نیستند. در پژوهش‌های این حوزه عموماً این دو مفهوم معادل هم تصور می‌شوند؛ درحالی‌که رمزارز صرفاً نوع خاصی از توکن است^۲ (اف‌سی‌ای، ۲۰۱۹، ص. ۲۲).

در حال حاضر در کشور ما تعریف رسمی از رمزارز ارائه نشده است؛ تنها در پیش‌نویس بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بانک مرکزی ج.ا.ا این‌طور آمده که رمزارزها یک نوع دارایی مالی است که بر بستری دیجیتال، غیرمتمرکز، و شفاف به نام زنجیره بلوک موجودیت می‌یابد و این دارایی‌ها در شرایطی می‌توانند کارکرد پولی به خود بگیرند. لازم به ذکر است، تعاریف متنوعی از رمزارز وجود دارد، ولی هنوز اجماع بین‌المللی برای ارائه تعریفی واحد از این مفهوم ایجاد نشده است. یکی از دلایل این امر، به تفاوت رویکرد کشورها در رابطه با ماهیت رمزارزها برمی‌گردد.

در زمینه ماهیت رمزارز باید توجه داشت که این پدیده فناوری نوپاست و در رابطه با آن هنوز اتفاق نظری وجود ندارد. به‌طور کلی، غالباً سه رویکرد توسط کشورهای که به این حوزه ورود کرده‌اند در رابطه با ماهیت رمزارز وجود دارد. برخی آن را شکلی از پول (ابزار پرداخت)، برخی نوعی از دارایی، و برخی دیگر ماهیت آن را کالا می‌دانند. در این میان کشورهایی هم هستند که تا به امروز هیچ‌گونه اظهارنظر رسمی در این خصوص نداشته‌اند. به عبارتی این مفهوم تبدیل به یک چالش برای مقامات مقررات‌گذار شده است. به‌عبارت‌دیگر رمزارزها ویژگی‌های ارز، کالا، و سیستم‌های پرداخت را با هم ترکیب می‌کنند و این در حالی است که طبقه‌بندی آن‌ها در هرکدام از این عناوین در رفتار قانونی و نظارتی مرتبط با آن‌ها و در تعیین نهاد و مقام مسئول اثرگذار است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶، ص. ۲۴).

به نظر می‌رسد اگر ماهیت رمزارز شکلی جدید از پول (ابزار پرداخت) در نظر گرفته شود باید وظایف و کارکردهای پول را همچون واسطه مبادله، واحد شمارش، و وسیله‌ای برای حفظ ارزش پوشش دهد. در حال حاضر در کشوری همچون ژاپن این دیدگاه حاکم است؛ اما اگر ماهیت رمزارز دارایی تشخیص داده شود، آشکار است که تبعات آن متفاوت از رویکرد پول خواهد بود.

باید توجه داشت که دارایی‌ها به اشکال مختلف همچون دارایی‌های جاری، دارایی‌های ثابت، دارایی‌های نامشهود، و دارایی‌های مالی قابل‌تصور هستند و معمولاً دارنده دارایی به‌منظور کسب سود آن را نگهداری می‌کند. لذا در صورت پذیرش ماهیت رمزارز به‌عنوان شکلی از دارایی، این بعد می‌تواند معنا پیدا کند. همچنین، اگر ماهیت رمزارز کالا در نظر گرفته شود نیز تبعات متفاوتی نسبت به دو رویکرد قبلی خواهد داشت. شاید بتوان واضح‌ترین ویژگی پذیرش ماهیت رمزارز به‌عنوان کالا را ضرورت پرداخت مالیات بر روی معاملات رمزارز در نظر گرفت. همان‌طور که بر روی سایر کالاها مالیات پرداخت می‌شود.

^۱ UK Financial Conduct Authority, FCA

^۲ در بخش‌های بعد توضیحات بیشتری در رابطه با رمزارز و توکن ارائه می‌شود.



به هر حال، نکته اساسی آن است که پذیرش هر کدام از این رویکردها در خصوص ماهیت رمزارزها تبعات متفاوتی را در پی خواهد داشت. در ادامه و در قالب جدول ذیل دیدگاه‌های برخی از کشورها در رابطه با ماهیت رمزارز آورده شده است.

جدول ۲. گونه‌شناسی انواع رویکردها در رابطه با ماهیت رمزارزها در کشورهای مختلف

توضیحات	کشور	رویکرد
دارایی دارای ارزش که واسطه پرداخت است.	ژاپن	شکلی جدید از پول (ابزار پرداخت)
ارز (Actual Currencies)	لوکزامبورگ	
ابزار مالی (ابزار پرداخت)/ توکن رمزنگاری شده (Crypto-Token)	آلمان	
ارز سایبری (Cyber Currency)	ایتالیا	
ارز سایبری (Cyber Currency)/ ارز الکترونیکی (Electronic Currency)	لبنان	
ارز الکترونیکی (Electronic Currency)	کلمبیا	
ارز دیجیتال (Digital Currency)	آرژانتین	
ارز دیجیتال (Digital Currency)	تایلند	
ارز دیجیتال (Digital Currency)	استرالیا	
واحدهای پولی دیجیتال (Digital Monetary Units)	لیختن‌اشتاین	
دارایی مالی دیجیتال (Digital Financial Assets)	روسیه	شکلی از دارایی
دارایی مالی (Financial Asset)	ونزوئلا	
دارایی‌های مالی کوتاه‌مدت (Short-Term Financial Assets)	اسلواکی	
دارایی مالی (Financial Asset)	بلغارستان	
دارایی مجازی (Virtual Assets)	مکزیک	
دارایی مالی (Financial Asset)	رژیم اشغالگر قدس	
دارایی مجازی (Virtual Asset)	هندوراس	
کالای مجازی (Virtual Commodity)	کانادا	شکلی از کالا
کالا (Commodity)	جمهوری چک	
کالای مجازی (Virtual Commodity)	چین	
کالای مجازی (Virtual Commodity)	تایوان	
کالای نامشهود (Intangible Commodities)	اتریش	
کالای مجازی (Virtual Commodity)	مکائو	

منبع: کتابخانه کنگره آمریکا، ۲۰۱۹.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، رمزارزها در حوزه‌های قضایی مختلف در دسته‌بندی‌های متفاوتی از نظر ماهیت طبقه‌بندی می‌شوند. بسیاری از کشورها مانند لهستان، دانمارک، اسلوانی، برزیل، قبرس، اکوادور، کاستاریکا، کنیا، گواتمالا، و... بر این نکته تأکید کرده‌اند که رمزارزها ابزار پرداخت رسمی نیستند، ولی در رابطه با چگونگی ماهیت این



پدیده اظهارنظری نکرده‌اند؛ برخی از کشورها نیز کلاً در این موضوع سکوت اختیار کرده‌اند. شاید بتوان گفت شناسایی چستی ماهیت رمزارزها نقطه‌ای استراتژیک در این حوزه است؛ زیرا اتخاذ هر رویکرد، جهت‌گیری تصمیمات را در موارد مختلف همچون نحوه برخورد با رمزارزها و وضع قوانین و مقررات شکل خواهد داد. مثلاً اگر رمزارز را پول در نظر بگیریم به احتمال قوی تحت نظارت و کنترل مقام پولی یا بانک مرکزی و اگر آن را دارایی بدانیم تحت نظارت مقام بازار سرمایه قرار خواهد گرفت؛ و یا به‌طور طبیعی وقتی رمزارز نوعی دارایی و یا کالا محسوب شود، مشمول مقررات رایج در مورد سایر کالاها و دارایی‌ها از جمله پرداخت مالیات خواهد شد.

این در حالی است که پراکندگی نظرها در سطح بین‌المللی کاملاً فاحش است و این خود چالشی قابل‌تأمل است. در حال حاضر در ایران و بر اساس تعریف آمده در پیش‌نویس بانک مرکزی، رمزارزها نوعی دارایی محسوب می‌شوند که در مواقعی خاص کارکرد پولی پیدا می‌کنند. البته باید توجه داشت که این تعریف هنوز به‌طور رسمی مورد تأیید قرار نگرفته است و لذا نمی‌توان بدان استناد کرد.

۲-۳ منافع و مخاطرات استفاده از رمزارزها و توکن‌ها

شواهد حاکی از آن است که استفاده از رمزارزها به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها روزبه‌روز در حال فراگیرتر شدن است. رمزارزها امکان انجام تراکنش‌های الکترونیکی در زمان کم، با هزینه پایین، و بدون مرز را فراهم می‌آورند و می‌توان از آن‌ها برای پرداخت خرد تا مبادلات مالی بین‌بانکی در هر نقطه‌ای از دنیا استفاده کرد. شبکه رمزارزهای جهان‌روا غیرمتمرکز است و علی‌رغم اینکه تراکنش‌ها برای همه قابل‌رؤیت است، ولی مبدأ و مقصد تراکنش غیرقابل شناسایی است. همین موضوع باعث شده نظارت بر این سیستم‌ها خیلی سخت شود و کاربردهای غیرقانونی این ارزها از جمله کلاهبرداری، پول‌شویی، و تأمین مالی تروریسم بعضاً نمود پیدا کند (پی‌دبلیوسی^۱، ۲۰۱۸، ص. ۳۳). لذا با توجه به ماهیت کاملاً متفاوت رمزارزها نسبت به پول‌های سنتی لازم است مزایا و چالش‌های استفاده از آن با شناخت دقیق تبیین شود.

شایان ذکر است، مزیت‌ها و چالش‌های مختلفی برای این پدیده می‌توان برشمرد. از دیدگاه گروهی از محققین، برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد رمزارزها مزیت به‌شمار می‌آیند و گروهی دیگر همان ویژگی را از چالش‌های این پدیده می‌دانند. لذا اهمیت این موضوع، تمرکز و موشکافی بر ابعاد مختلف رمزارزها، و انجام مطالعات جامع و دقیق توسط محققین را ایجاب می‌کند. ولی از آنجایی که هدف نهایی از این گزارش تبیین این موضوع نیست، در ادامه تنها مروری به برخی از مزیت‌ها و ریسک‌های رمزارزها که بر روی آن‌ها اتفاق نظری نسبی وجود دارد پرداخته خواهد شد.

۳-۲-۱ مزیت‌ها

الف- سرعت بالا در مبادلات

در سیستم رمزارزها به دلیل نبود نهاد واسط، انتقال وجه از حساب فردی به فرد دیگر با سرعت بالا و معمولاً در چند دقیقه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، رمزارزها با بهره‌گیری از فناوری‌های دفتر کل توزیع‌شده، با کاهش زمان معاملات به‌ویژه در معاملات فرامرزی، منجر به تسهیل مبادلات می‌شوند. این در حالی است که در سیستم سنتی، سرعت انتقال

^۱ PricewaterhouseCoopers, PwC



وجه به دلیل وجود واسطه‌های مالی متعدد بالاتر است. به‌عنوان مثال، در سوئیفت انجام دادن مبادلات معمولاً به ۴۸ ساعت زمان نیاز دارد.

ب- هزینه‌های پایین‌تر

رمزارها با استفاده از فناوری دفتر کل توزیع شده، هزینه نقل و انتقالات را به‌خصوص در سطح بین‌المللی کاهش می‌دهند و لذا برخلاف درگاه‌های بین‌المللی (مانند سوئیفت) و سایر روش‌های تسویه و پرداخت، نرخ کارمزد در مبادلات رمزارها کمتر است. در واقع با حذف واسطه‌های پرداخت، هزینه‌های مبادلاتی تا حد زیادی کاهش می‌یابد. به‌عنوان مثال، در رمزارز بیت‌کوین از لحاظ تئوری تمام تراکنش‌ها باید رایگان باشد؛ اما معمولاً هزینه‌ای اندک که در صرافی‌های دیجیتال مختلف متفاوت است، لحاظ می‌شود. در واقع، این هزینه به‌عنوان مشوقی برای معدن‌کاوها^۱ محسوب شده و رابطه‌ای مستقیم با سختی استخراج دارد. حتی با لحاظ این هزینه‌ها، بیت‌کوین نسبت به روش‌های پرداخت سنتی هزینه‌های بسیار پایین‌تری دارد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶، ص. ۲۱).

پ- شفافیت

شفافیت معمولاً یکی از مزایای رمزارهاست. به‌عنوان مثال، در شبکه‌ای مثل بیت‌کوین تاریخچه و اطلاعات تمام تراکنش‌های انجام شده در بستر زنجیره بلوک نگهداری می‌شود. در واقع، تمام تراکنش‌ها به‌صورت عمومی قابل مشاهده و تأیید در دفتر حسابرسی الکترونیکی زنجیره بلوک است و قابلیت رصد و رهگیری مبادلات در عین ناشناس بودن فرستنده و گیرنده فراهم است. باید توجه داشت که منظور از شفافیت در اینجا به چگونگی، فرایند، و پروسه عمل رمزارز برمی‌گردد. به عبارت بهتر، درست است که فرستنده و گیرنده در اینجا ناشناس باقی می‌مانند، ولی مسیر این فرایند کاملاً شفاف است. این در حالی است که ناشناس بودن دو طرف معامله خود می‌تواند امری چالش برانگیز باشد.

ت- پرداخت فرامرزی

در رمزارها پرداخت‌ها به‌صورت همتا به‌همتا و بدون هیچ واسطه‌ای انجام می‌شود. لذا این امکان فراهم است که به هرکسی در هر جای دنیا بدون وجود کارمزد نهاد واسط و با سرعت بالا وجه دلخواه را پرداخت کرد. در واقع، انتقال پول تنها در چند دقیقه به فرد در هر کجای دنیا پدیده‌ای است که با ظهور شبکه بیت‌کوین عینیت پیدا کرد (آیواشچنکو^۲، ۲۰۱۶، ص. ۲۷۲). در روش سنتی نیاز است تا اقدامات زیادی برای تراکنش‌های برون‌مرزی صورت گیرد و این امر در کشوری مثل ایران که با تحریم‌های مختلف روبه‌روست، با مشکلات بیشتری همراه است. سهولت پرداخت یکی از مزایای رمزارها محسوب می‌شود و استفاده از رمزارها این امکان را فراهم می‌آورد که پرداخت و دریافت وجه به‌راحتی و با سرعت بالا صورت گیرد و این امر خود منجر به سهولت در مبادلات بین‌المللی می‌شود.

^۱ Miners

^۲ Ivashchenko



۲-۲-۳ چالش‌ها و ریسک‌ها

الف- نوسانات شدید قیمتی

تقریباً تمام اظهارنظرهای حکومتی کشورها در خصوص بیت‌کوین منجر به نوسانات قیمتی این رمزارز و در نهایت منجر به افزایش و یا کاهش آن می‌شود. این بی‌ثباتی در قیمت مشکلاتی را به‌خصوص در کوتاه‌مدت در پی دارد و ریسک سرمایه‌گذاری در میان‌مدت و بلندمدت را بالا می‌برد (آیواشچنکو، ۲۰۱۶، ص. ۲۷۳)

ب- کاربردهای غیرقانونی

رمزارزها و فناوری بلاک‌چین همانند هر فناوری دیگری می‌تواند کاربردهای سالم و ناسالم داشته باشد. در واقع همانند پول‌های رسمی، از رمزارزها نیز می‌توان هم در موارد قانونی و هم در موارد غیرقانونی (کالاهای غیرقانونی) استفاده کرد. با توجه به ماهیت رمزارزها و توانایی بالقوه‌ای که در جابه‌جایی حجم زیادی از پول بدون نیاز به احراز هویت دارند، امکان استفاده از آن‌ها در کاربردهای ناسالم مانند پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، خرید و فروش کالاهای غیرمجاز (اسلحه، مواد مخدر، و...)، فرار مالیاتی، و سایر فعالیت‌های غیرقانونی وجود دارد.

همچنین به دلیل ماهیت رمزنگاری‌شده رمزارزها و شناسایی نشدن طرفین معامله، انگیزه برای انتقال بخشی از معاملات و نگهداری درآمد و ثروت توسط این سیستم و در نتیجه فرار مالیاتی دور از ذهن نیست. به عبارت دیگر، در این ساختار امکان جابه‌جایی پول بین افراد و کشورها در قالبی ناشناس وجود دارد. لذا آشکار است این ویژگی در کنار ضعف نظارت مقام ناظر، می‌تواند خطرهای جرائم مالی مانند فرار مالیاتی، پول‌شویی، و تأمین مالی تروریسم را افزایش دهد (اف‌سی‌ای، ۲۰۱۹، ص. ۱۳).

پ- از دست دادن دارایی

دارنده رمزارز در صورتی که رمز دسترسی خود را به هر دلیلی مفقود یا فراموش کند، دسترسی به حساب خود را برای همیشه از دست خواهد داد. از طرفی به دلیل الکترونیکی بودن رمزارزها، امکان سرقت و هک شدن نیز قابل‌تصور است. در واقع، رمزارزها مانند بیت‌کوین در کیف پول الکترونیکی کاربر بر روی رایانه شخصی، تلفن هوشمند، و یا بر روی پلتفرم آنلاین ذخیره می‌شود و آشکار است در صورت از بین رفتن اطلاعات مربوطه، رمزارز سوخت خواهد شد. در حال حاضر و در سطح بین‌المللی مجرمان بسیاری با بهره‌گیری از بدافزارها و به روشی هوشمند سعی در دستیابی به اطلاعات و سرقت بیت‌کوین کاربران دارند. همچنین، در این سیستم جبران خطا معنایی ندارد و در صورتی که کاربر در حین معامله مرتکب خطا شود، برخلاف ابزارهای بانکی متعارف (مانند کارت اعتباری) امکانی برای جبران وجود ندارد. لذا ریسک مربوط به موفقیت نشدن معامله برای کاربران این سیستم وجود دارد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶، ص. ۳۰).

علاوه بر این، با توجه به اینکه در سیستم بیت‌کوین دسترسی به حساب شخص صرفاً با داشتن آدرس کیف پول و رمز عبور امکان‌پذیر است، پس از فوت یک فرد، در صورتی که این اطلاعات تنها در اختیار متوفی باشد، هیچ سازوکاری برای دستیابی ورثه به ارث وجود نخواهد داشت.

ت- ریسک تضعیف قدرت بانک مرکزی

رواج رمزارزها می‌تواند به کم‌رنگ شدن نقش نهادهای واسط و بانک مرکزی (و تضعیف پول در جریان مانند ریال) منجر شود و لذا برای سیستم پولی و مالی یک کشور چالش‌برانگیز است؛ زیرا در این صورت جایی برای نظارت و اعمال



سیاست‌های پولی باقی نمی‌ماند و عملاً رمزارزها به پول در جریان تبدیل می‌شود. در واقع، ماهیت غیرمتمرکز این ارزها به راحتی در مدل‌های سنتی نظارتی جای نمی‌گیرد؛ زیرا رمزارزها با بهره‌گیری از فناوری دفتر کل توزیع شده نقش نهاد واسطه مرکزی را (که محور تنظیم مقررات است) از بین می‌برند. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که اساساً سازندگان رمزارزها و مشخصاً بیت کوین با هدف تمرکززدایی و حذف نهاد مرکزی و به تبع آن حذف قدرت آن‌ها اقدام به تولید و انتشار رمزارزها کرده‌اند. لذا برخی این مسئله را نه تنها چالش نمی‌دانند، بلکه به عنوان یکی از مزیت‌های اصلی این پدیده بدان می‌نگرند. به عبارت بهتر، این چالش از نگاه حاکمیتی چالش به حساب می‌آید نه از منظر سازندگان و یا استفاده‌کنندگان از رمزارزها.

۳-۳ گونه‌شناسی انواع رمزارزها و توکن‌ها

در بخش دوم به طور مختصر به تفاوت بین رمزارز و توکن اشاره شد. در این بخش سعی خواهد شد تا با استفاده از منابع معتبر بین‌المللی و در قالب ارائه طبقه‌بندی، مرز بین این مفاهیم بیش از پیش شفاف شود. لازم به ذکر است، در این سه قسمت سه رویکرد در گونه‌شناسی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: مفهوم گل پول ارائه شده توسط بانک تسویه بین‌المللی^۱ که در سطح بین‌المللی رویکردی شناخته شده و مشهور است، رویکرد جغرافیایی، و رویکرد کاربردی که مورد توجه مقررات‌گذاران در کشورهای اروپایی قرار دارند. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که رویکردهای ارائه شده هیچ‌کدام به طور کامل جدا از هم نیستند و سطوحی از هم پوشانی در آن‌ها دیده می‌شود.

۳-۳-۱ رویکرد بانک تسویه بین‌المللی (مفهوم گل پول)^۲

از دیدگاه اقتصادی پول دارای وظایفی همچون وسیله مبادله^۳، معیار سنجش^۴، ذخیره ارزش^۵، و معیار پرداخت‌های معوق^۶ است. بانک تسویه بین‌المللی به عنوان نهادی معتبر (در واقع بانک مرکزی بانک‌های مرکزی)، با در نظر گرفتن ویژگی‌های پول و با در نظر گرفتن چهار معیار ذیل، طبقه‌بندی^۷ خاصی در رابطه با انواع رمزارزها و انواع پول‌ها (به ویژه با تأکید بر جایگاه بانک مرکزی) ارائه داده است (بانک تسویه بین‌المللی، ۲۰۱۸، ص. ۱۷).

الف- همتا به همتا یا غیرمتمرکز بودن

شبکه همتا به همتا^۸ پانفرمی غیرمتمرکز است که با استفاده از آن کاربران به طور مستقیم بدون اینکه شخص ثالثی را واسطه قرار دهند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. در نتیجه، خریداران و فروشندگان می‌توانند به طور مستقیم از طریق این

^۱ Bank for International Settlements, BIS

^۲ Money Flower

^۳ Medium of Exchange

^۴ Unit of Account

^۵ Store of Value

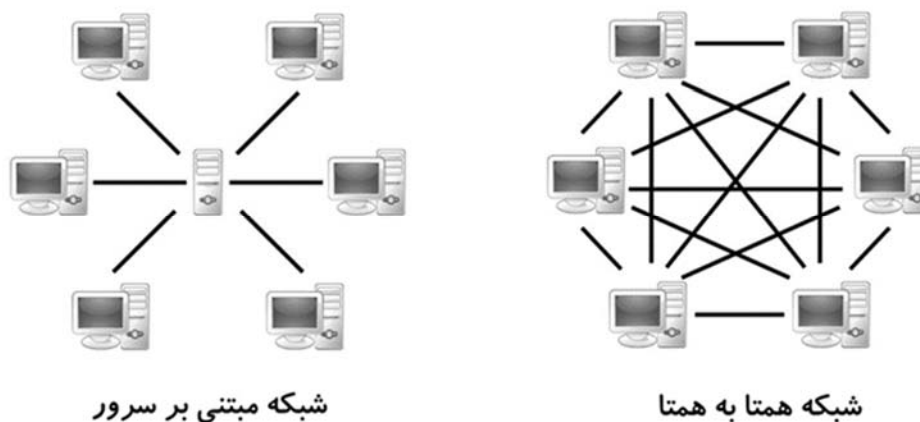
^۶ Standard of Deferred Payment

^۷ Taxonomy

^۸ Peer-to-Peer



سرویس به یکدیگر متصل شوند. در واقع، این معیار به سازوکار انتقال که به صورت متمرکز یا غیرمتمرکز باشد اشاره دارد. در شکل زیر تفاوت بین شبکه همتا به همتا با یک شبکه مبتنی بر سرور آمده است.



شکل ۳. تفاوت شبکه همتا به همتا با شبکه متمرکز

ب- صادرکننده (بانک مرکزی یا غیرازآن)

صادرکننده^۱ و چگونگی انتشار رمزارز نیز یکی دیگر از چهار معیار بانک تسویه بین‌المللی است. به عنوان مثال، رمزارز بیت‌کوین به عنوان اولین رمزارز متن باز و همتا به همتا توسط شخص یا گروهی از برنامه‌نویسان ناشناس مستقل به نام ساتوشی ناکاموتو در سال ۲۰۰۸ میلادی ایجاد و منتشر شد و هیچ نهاد رسمی در انتشار آن نقش نداشت. از طرف دیگر، می‌توان به رمزارز پتروکه توسط بانک مرکزی ونزوئلا ایجاد شد اشاره کرد (هرچند که در عمل با مشکلاتی مواجه شد). لذا در اینجا، این ویژگی که صادرکننده رمزارز بانک مرکزی باشد و یا غیرازآن مدنظر است.

پ- دیجیتال یا غیردیجیتال بودن

این معیار به شکل پول اشاره دارد، به عبارت بهتر، اینکه شکل پول در قالب الکترونیکی باشد و یا اینکه به صورت فیزیکی منتشر شود. در خصوص رمزارزها واضح است که برخلاف پول‌های سنتی متعارف مانند طلا و نقره ماهیت فیزیکی ندارند و تنها در بستر و محیط مجازی و دیجیتالی معنا پیدا می‌کنند.

ت- گسترده یا محدود بودن دسترسی

مفهوم «گسترده بودن دسترسی»^۲ میزان و دامنه دسترسی را نشان می‌دهد. به عبارتی، اینکه در سطح جهان و بین‌المللی در دسترس عموم باشد و یا به صورت محدود در دسترس جامعه‌ای مشخص باشد مدنظر است. به عنوان مثال برخلاف پول‌های سنتی و متعارف، مرزهای جغرافیایی برای رمزارزهای جهان‌روا مانند بیت‌کوین، اتریوم، لایت‌کوین، و مواردی از این دست معنا پیدا نمی‌کند. در واقع، رمزارزهایی از این دست بدون مرز هستند و تنها با یک کلیک می‌توان هر مقدار رمزارز را برای هرکسی در هر جای دنیا فرستاد. از طرف دیگر دسترسی رمزارزی مانند

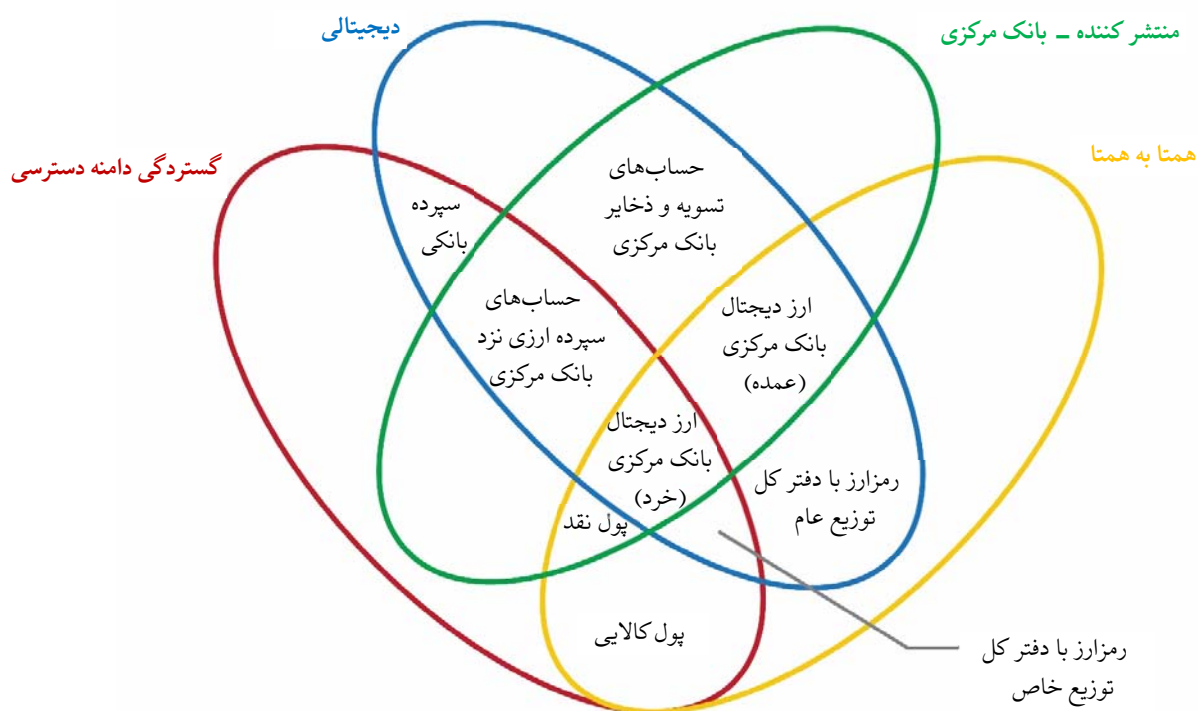
^۱ Issuer

^۲ Widely Accessible



کدکویین محدود و تنها در بین بانک مرکزی کانادا و تعدادی از بانک‌های این کشور است. لذا این ویژگی نیز از معیاری مهم در دسته‌بندی اقسام پول است.

در ادامه و بر اساس این چهار ویژگی، طبقه‌بندی گل پول در شکل ۴ ذکر شده است (اصطلاحات مرتبط در پاورقی ذکر شده‌اند^۱). به‌عنوان مثال، با توجه به این طبقه‌بندی می‌توان گفت جایگاه پول نقد، تقابلی از ویژگی‌های هم‌تا به هم‌تا، انتشار توسط بانک مرکزی و گستردگی دامنه دسترسی است. همان‌طور که در شکل مشخص است رمزارزها با توجه به نوع دسترسی دفتر کل توزیع شده (DLT) در دو گروه «رمزارز با دفتر کل توزیع شده عام^۲» و «رمزارز با دفتر کل توزیع شده خاص^۳» قرار می‌گیرند که این امر نکته‌ای بسیار مهم است و ثمرات مهمی در نقش نهاد ناظر و پاس‌خگویی قانونی به‌همراه دارد. همچنین برای ارز دیجیتال بانک مرکزی نیز با توجه به نوع دسترسی، دو صورت خرد و عمده (بین‌بانکی) را می‌توان متصور بود.



شکل ۴. تاکسونومی گل پول (رویکرد بانک تسویه بین‌المللی)

^۱ رمزارز با دفتر کل توزیع شده عام: Permissioned DLT، رمزارز با دفتر کل توزیع شده خاص: Permissionless DLT، سپرده بانکی: Bank deposit، حساب‌های تسویه و ذخایر بانک مرکزی: Central bank reserves and settlement accounts، حساب‌های سپرده ارزی نزد بانک مرکزی: Central bank deposited currency accounts (عمده)، ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (wholesale): Central bank digital currencies (wholesale)، ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (خرد): Central bank digital currencies (retail)، پول نقد: Cash، و پول کالایی: Commodity money.

^۲ Permissioned Distributed ledger technology (DLT)

^۳ Permissionless Distributed ledger technology (DLT)



۳-۲-۲ رویکرد جغرافیایی

یکی دیگر از رویکردهای مورد استفاده در تقسیم‌بندی رمزارزها، رویکرد جغرافیایی است که در پیش‌نویس اول بانک مرکزی کشور نیز این تقسیم‌بندی لحاظ شده است. همان‌طور که پیش‌تر نیز به این نکته اشاره شد، این پیش‌نویس هنوز به صورت رسمی مورد تأیید قرار نگرفته است. با این حال، از آنجایی که این سند تنها خروجی بانک مرکزی کشور در این رابطه بوده و این گزارش نیز در نهایت به دنبال بررسی ابعاد فقهی و حقوقی رمزارزها و توکن‌ها در داخل کشور است، به نظر می‌رسد بهتر است تا به این دیدگاه نیز پرداخته شود. در این پیش‌نویس رمزارزها به صورت زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

الف- رمزارز جهان‌روا

رمزارزی است که بهره‌برداری از آن و تبادلش محدود به هیچ جغرافیای خاصی نیست و توسط عموم مردم دنیا بر بستر اینترنت قابل دسترس است. این نوع رمزارز بر دو گونه بدون پشتوانه دارایی و با پشتوانه دارایی وجود دارد. گونه بدون پشتوانه قابلیت استخراج توسط عموم مردم را دارد و از انواع معروف آن می‌توان به بیت‌کوین و اتریوم اشاره کرد. گونه دوم توسط یک شخص حقیقی یا حقوقی و به پشتوانه یک دارایی مشهود یا نامشهود صادر می‌شود و قابلیت استخراج توسط عموم مردم را ندارد و از انواع معروف آن می‌توان به اکس‌آرپی^۱ و تتر^۲ اشاره کرد.

ب- رمزارز بانک مرکزی^۳

شکل الکترونیک همان پولی است که توسط بانک مرکزی خلق و صادر می‌شود و قابلیت آن را دارد که منطبق بر اصول رمزنگاری، در یک بستر توزیع شده و به صورت فرد به فرد بدون دخالت هیچ نهاد واسط پرداخت تبادل شود. این نوع رمزارز به پشتوانه پول ملی کشور (ریال) صادر می‌شود.

پ- رمزارز منطقه‌ای

رمزارزی است که به پشتوانه یک دارایی مورد توافق در یک پیمان چندجانبه پولی بین چند کشور و با هدف تسهیل و تسریع تبادلات تجاری بین آن کشورها صادر و استفاده می‌شود.

ت- توکن

توکن موجودیتی دیجیتال است که ارزش مجازی یا واقعی را نمایندگی می‌کند. این نوع رمزارز می‌تواند به دو صورت بدون پشتوانه دارایی یا با پشتوانه صادر شود.

۳-۳-۳ رویکرد کاربردی (FCA و FINMA)

رویکرد دیگری که به نظر می‌رسد در سطح بین‌المللی بیشتر بر آن استناد می‌شود، تقسیم‌بندی از منظر کاربرد است. این رویکرد بر اساس مستندات نهاد نظارت بر بازارهای مالی انگلستان^۴ و نهاد نظارت بر بازارهای مالی سوئیس (فینما)^۵

^۱ XRP

^۲ Tether

^۳ Central Bank CryptoCurrency, CBCC

^۴ Financial Conduct Authority, FCA

^۵ Swiss Financial Market Supervisory Authority, FINMA



قابل ارائه است (فیما، ۲۰۱۸، ص. ۱۷). نهاد نظارتی آلمان (بافین)^۱ نیز بر برخی از جنبه‌های این موضوع تأکید کرده است (بافین، ۲۰۱۸، ص. ۲۱). این رویکرد بر اساس کاربردهای رمزارزها به تقسیم‌بندی آن‌ها می‌پردازد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

الف- توکن پرداخت یا مبادلاتی

توکن پرداخت^۲ یا مبادلاتی^۳ همان رمزارزی است که نقش ابزار پرداخت یا پول را پیدا می‌کند. این توکن ممکن است توسط هیچ نهاد متمرکزی منتشر نشود (مانند بیت‌کوین) و ممکن است توسط بانک مرکزی منتشر شود.

ب- توکن بهادار یا دارایی

توکن بهادار^۴ یا دارایی^۵ نماینده یک دارایی بهادار مانند اوراق بدهی و سهام از طرف ایجادکننده آن است. توکن‌های بهادار ویژگی‌های خاص و ویژه‌ای دارد. بدان معنا که برای تبیین دسترسی یک سرمایه‌گذاری خاص ارائه شده‌اند.

پ- توکن کاربردی

توکن کاربردی^۶ شامل توکن‌هایی است که دسترسی دیجیتال به یک برنامه یا خدمت را از طریق زیرساخت زنجیره بلوکی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، این نوع از توکن‌ها به دارندگانشان اجازه دسترسی به یک محصول یا سرویس خاص را ارائه می‌دهد.

۳-۴ ارائه طبقه‌بندی انواع توکن‌ها و رمزارزها (رویکرد منتخب تحقیق)

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی پیش‌روی این تحقیق پراکندگی مطالب این حوزه است. لذا در این پژوهش سعی شد تا پس از بررسی منابع مختلف و گرفتن نظر خبرگان حوزه موضوع‌شناسی رمزارزها و توکن‌ها، طبقه‌بندی جدیدی در این رابطه ارائه شود به نحوی که شامل تمام رویکردهای ذکر شده در بالا باشد. شایان ذکر است، رویکرد اصلی به رمزارز و توکن در اینجا بر مبنای رویکرد کاربردی است؛ هرچند سعی شده است تا رویکرد جغرافیایی مدنظر بانک مرکزی و مفاهیم گل پول نیز در آن جای داده شود. همچنین نوع بستر دفتر کل توزیع شده که اجازه دسترسی در آن به صورت عام باشد و یا خاص نیز مدنظر قرار گرفته است.

لازم به ذکر است، تقسیم‌بندی‌های اقتصادی و فنی گوناگونی را می‌توان در این گونه‌شناسی جای داد؛ ولی از آنجایی که هدف نهایی این گزارش بررسی احکام فقهی و حقوقی رمزارزها و توکن‌هاست، تمرکز اصلی در این تحقیق بر روی نوع دفتر کل توزیع شده قرار گرفته است که در ادامه گزارش و در قسمت حکم‌شناسی علت و چرایی این انتخاب بیش‌ازپیش شفاف خواهد شد. نکته مهم دیگری که در اینجا لازم است بدان اشاره شود این است که این دسته‌بندی نیز همچون سایر دسته‌بندی‌ها کاملاً افزاز نیست و در برخی از قسمت‌ها سطوحی از هم‌پوشانی ممکن است وجود داشته باشد. به عنوان نمونه، به توکن لیبرا می‌توان اشاره کرد که توکن بهادار است و در حال حاضر به عنوان توکن پرداخت شناخته می‌شود. البته

^۱ German Federal Financial Services Supervisory Authority, BaFin

^۲ Payment Tokens

^۳ Exchange Tokens

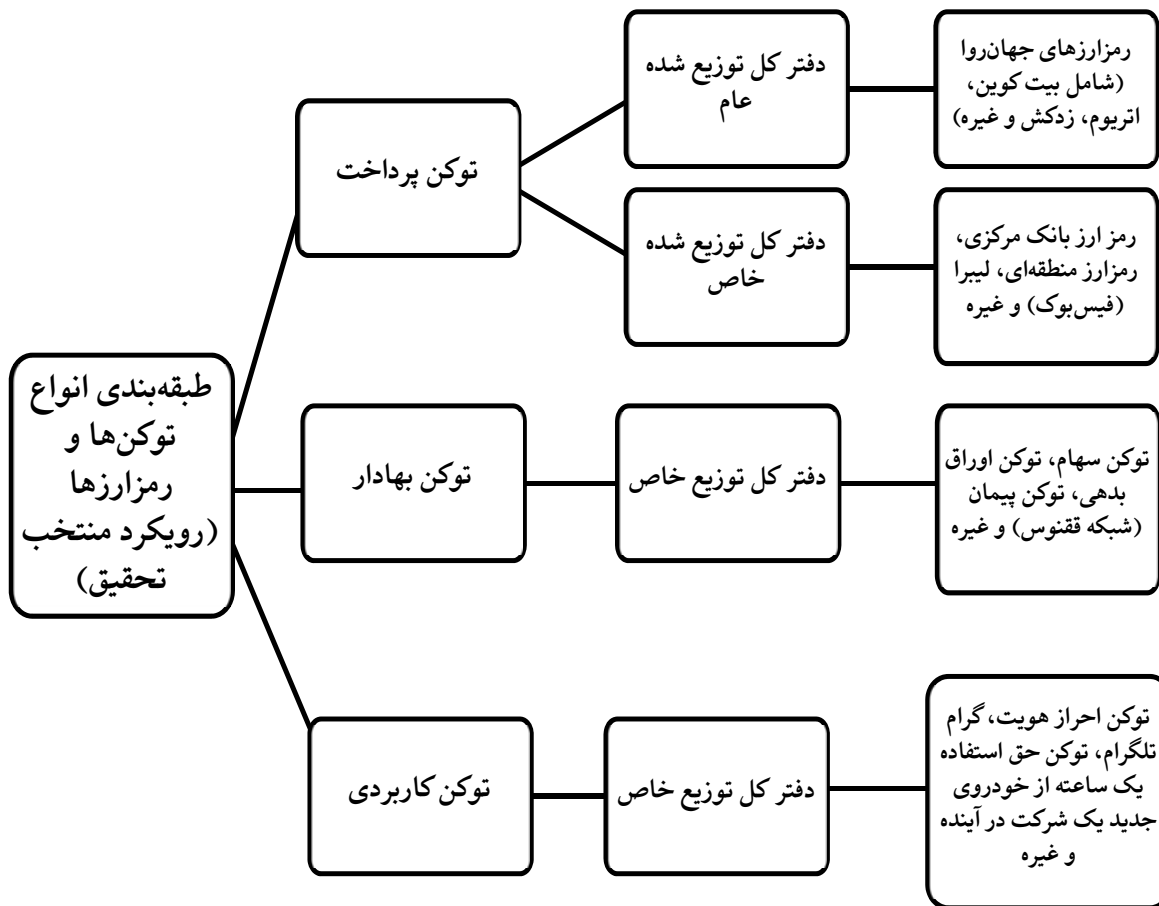
^۴ Security Tokens

^۵ Asset Tokens

^۶ Utility Tokens



باید به این نکته کلیدی نیز توجه داشت که هدف و غایت نهایی تمام توکن‌های بهادار و کاربردی تبدیل شدن به توکن پرداخت است و توکنی مثل لیبرا توانسته با موفقیت بدان دست پیدا کند.



شکل ۵. طبقه‌بندی انواع توکن‌ها و رمزارزها (رویکرد منتخب پژوهش)

۳-۴-۱ توکن پرداخت

این توکن به‌عنوان روش پرداخت و ذخیره ارزش استفاده می‌شود که با توجه به نوع دسترسی به دفتر کل توزیع شده می‌توان آن را در دو قالب طبقه‌بندی کرد.

الف- توکن پرداخت در بستر دفتر کل توزیع شده عام

می‌توان گفت این نوع توکن همان رمزارزهای جهان‌روا همچون بیت‌کوین، اتریوم، زدکش، کاردانو، لایت‌کوین، نئو، دش، و مواردی از این دست است که با استفاده از فناوری رمزنگاری شده طراحی می‌شود و فراتر از مرزهای جغرافیایی در یک شبکه هم‌تا به هم‌تا و به‌صورت غیرمتمرکز فعالیت می‌کند.



ب- توکن پرداخت در بستر دفتر کل توزیع شده خاص

رمزارز ملی و رمزارز منطقه‌ای مدنظر بانک مرکزی را در این طبقه می‌توان جای داد. تفاوت اصلی این دسته با مورد قبلی نوع دسترسی دفتر کل توزیع شده آن است. در واقع، مجوز دسترسی در این حالت تنها در اختیار افراد خاص است. نمونه‌ای از این نوع رمزارز، کدکویین کانادا است. کدکویین کانادا نوعی رمزارز بانک مرکزی است که تناظر یک‌به‌یک با دلار کانادا دارد و در شبکه دسترسی خاص آن بانک مرکزی کانادا و تعدادی از بانک‌های تجاری این کشور حضور دارد. کدکویین برای تسویه بین بانکی و موازی با سامانه تسویه ناخالص آن^۱ عمل می‌کند. نمونه‌ای دیگر از این نوع توکن، توکن لیبراست که در ابتدا در قالب توکن بهادار از سوی رسانه اجتماعی فیس‌بوک عرضه شد و در ادامه فعالیت و پس از پذیرش جهانی و روبه‌رو شدن با مقبولیت عمومی عملاً تبدیل به توکن پرداخت شد.

۳-۴-۲ توکن بهادار

این نوع توکن که بستر دفتر کل توزیع آن محدود به دسترسی افراد خاص است، حتماً پشتوانه دارایی (مشهود یا غیرمشهود، مجازی یا واقعی) دارد. با این توکن‌ها علاوه بر اینکه می‌توان محصولات و خدمات را خریداری کرد، می‌توان با نگهداری آن‌ها انتظار بازده سرمایه‌گذاری و منفعت نیز داشت. نمونه‌ای از این نوع توکن، توکن پیمان است که توسط کنسرسیوم ققنوس ارائه شد و در حال حاضر به دلایل سیاست‌گذاری توسط بانک مرکزی استفاده از آن متوقف شده است. از دیگر مواردی که در این بخش می‌توان به آن اشاره کرد توکن سهام، اوراق بدهی، اوراق مشتقه، و... است. ویژگی اصلی این نوع توکن نیز همانند سایر توکن‌ها، استفاده از فناوری زنجیره بلوک (بلاک‌چین) و دفاتر کل توزیع شده (DLT) است.

۳-۴-۳ توکن کاربردی

داشتن این نوع توکن به معنای داشتن مجوز برای دسترسی به سرویس‌های شبکه است. به عبارت دیگر، این نوع از توکن‌ها به دارندگانشان اجازه دسترسی به یک محصول یا سرویس خاص را می‌دهد. از نمونه‌های این توکن به توکن‌های احراز هویت مشتری^۲ (کی‌و‌ای‌سی و ایکس‌آرپی) می‌توان اشاره کرد. به عنوان مثال، فرض کنید یک برند لباس توکنی را ارائه می‌دهد که به دارنده آن اجازه دسترسی سریع به مد جدید لباس را با نرخ تخفیف می‌دهد. این رویه می‌تواند شبیه پلتفرم تأمین مالی جمعی مبتنی بر پاداش باشد که مشتریان (احتمالاً سلبریتی‌ها) در ازای دسترسی سریع‌تر به محصول موردنظر خود (لباس جدید) به پروژه کمک کنند. یا فرض کنید یک برند معروف اتومبیل لوکس توکنی را ارائه دهد که به دارندگان آن اجازه رانندگی با محصول آتی شرکت خودروسازی را به مدت مثلاً یک ساعت می‌دهد.

۳-۵ گونه‌شناسی رویکردهای مقررات‌گذاری رمزارزها در سطح جهانی

در حال حاضر و در سطح بین‌المللی شاهد تنوع رویکردهای رگولاتوری در مواجهه با پدیده رمزارز و توکن هستیم. برخی کشورها به صورت سفت‌وسخت با این پدیده برخورد کرده‌اند و رویکرد ممنوعیت کلی را در پیش گرفته‌اند. برخی موضع

^۱ Real-Time Gross Settlement, RTGS

^۲ Know Your Customer KYC



نرم‌تری را اتخاذ کرده و تنها یک یا چند وجه از ابعاد رمزارز و توکن را ممنوع کرده‌اند. برخی کشورها نیز با آغوش باز به استقبال این پدیده نوظهور رفته‌اند و برخی دیگر نیز موضع‌گیری خاصی در این خصوص اتخاذ نکرده و صراحتاً آن را نه تأیید و نه رد کردند (ولی قوانین عمومی مانند مالیت را در برخی موارد برای آن‌ها جاری دانسته‌اند).

۳-۵-۱ عدم ممنوعیت

* ژاپن

بیت‌کوین در این کشور شیوه پرداخت قانونی است. در واقع، طبق قوانین ژاپن رمزارزها پول قانونی محسوب می‌شود و بورس‌های رمزارز مشمول مقررات بانکی و مؤسسات مالی است و لذا ملزم به اجرای الزامات قوانین ضد پول‌شویی، شناخت مشتری، و ممیزی سالیانه است. همچنین در حال حاضر، سود حاصل از معاملات بیت‌کوین به‌عنوان درآمد حاصل از فعالیت‌های تجاری یا درآمد متفرقه تعریف شده است و می‌تواند مشمول مالیات بر درآمد سرمایه هم شود. از اول جولای سال ۲۰۱۷ میلادی نیز هشت درصد مالیات مصرفی خرید و فروش بیت‌کوین و سایر رمزارزها در این کشور برداشته شد.

* آلمان

سازمان نظارت مالی آلمان (بافین) ارزهای مجازی و رمزارزها را به‌عنوان واحدهای حسابداری و در نتیجه ابزار مالی معرفی کرده و برای مالکیت، خرید، فروش، و... نیاز به کسب مجوز از این نهاد است. همچنین در فوریه سال ۲۰۱۸ میلادی نیز چگونگی دریافت مالیات بر ارزش افزوده از بیت‌کوین و سایر ارزهای مجازی منتشر شد. البته بانک مرکزی این کشور با توجه به کارکردهای ارز، بیت‌کوین را ارز مجازی و پول دیجیتال نمی‌داند و از اصطلاح توکن رمزنگاری شده^۱ برای آن استفاده می‌کند.

* کانادا

این کشور اجازه استفاده از رمزارزها همچون بیت‌کوین را می‌دهد. تراکنش‌های رمزارزها مشمول قوانین ضد پول‌شویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم است. طبق قوانین مالیاتی جدید این کشور، اگر برای خرید کالا یا سرویس بیت‌کوین پرداخته شده باشد، معامله کالا به کالا محسوب می‌شود و مشمول مالیات معاملات کالا به کالا است. همچنین سود حاصل از معاملات کالا طبق دستورالعمل معاملات در اوراق بهادار به‌عنوان درآمد یا سرمایه تعریف و مشمول مالیات می‌شود. به‌هرحال، رمزارزها در کانادا ارز قانونی محسوب نمی‌شوند و تنها ارز رسمی این کشور دلار کانادا است.

* لیختن‌اشتاین

در آخرین اصلاحات قوانین این کشور به ارزهای مجازی پرداخته شده است. بر این اساس، ارزهای مجازی به‌عنوان واحدهای پولی دیجیتال تعریف شده‌اند که امکان معاوضه آن‌ها با پول قانونی وجود دارد و برای خرید کالا یا خدمات و نگهداری ذخیره ارزش می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

^۱ Crypto Token



۳-۵-۲ ممنوعیت کلی

برخی از کشورها رویکرد ممنوعیت کلی را در مواجهه با رمزارزها اتخاذ کرده‌اند. در این میان برخی به دلایل سیاست‌گذاری این ممنوعیت را وضع کرده‌اند و برخی دیگر همچون کشور مصر علاوه بر بحث سیاست‌گذاری از باب شرعی نیز به این موضوع ورود کرده‌اند.

* پاکستان

در حال حاضر، هیچ قانون خاصی در رابطه با رمزارزها و نحوه مبادله آن در این کشور وجود ندارد. در ماه می سال ۲۰۱۷ میلادی نیز بانک مرکزی این کشور طی بیانیه‌ای اظهار داشت که ارزهای دیجیتال را به رسمیت نمی‌شناسد و در ۶ آوریل سال ۲۰۱۸ میلادی نیز با انتشار بیانیه‌ای نسبت به ریسک‌های ارزهای مجازی به عموم مردم هشدار داد.

* الجزیره

مقامات این کشور در سال ۲۰۱۸ میلادی رسماً استفاده از هر نوع رمزارز را ممنوع اعلام کردند.

* نپال

بر اساس اعلام بانک مرکزی نپال در ۱۳ اوت سال ۲۰۱۷ میلادی کلیه معاملات مربوطه به بیت‌کوین غیرقانونی اعلام شد.

* اکوادور

بر اساس اعلام بانک مرکزی اکوادور، بیت‌کوین روش پرداخت مجاز در این کشور نیست. همچنین با توجه به اینکه معاملات مالی با بیت‌کوین توسط هیچ نهادی در این کشور کنترل، نظارت، و مقررات‌گذاری نمی‌شود، ریسک مالی آن‌ها بر عهده خود افراد است. البته خرید و فروش اینترنتی رمزارزها مانند بیت‌کوین بلامانع است.

* عراق

بانک مرکزی عراق طی بیانیه‌ای ممنوعیت استفاده از رمزارزها را اعلام کرده است. بر این اساس، معامله‌گرانی که معاملات خود را با استفاده از رمزارزها انجام دهند، مشمول مجازات ذکر شده در قانون مبارزه با پول‌شویی خواهند شد.

* بنگلادش

در ۲۴ دسامبر سال ۲۰۱۷ میلادی، بانک مرکزی بنگلادش با انتشار بیانیه‌ای غیرقانونی بودن رمزارزها را در این کشور اعلام کرد. بر اساس این بیانیه، مبادلات مالی با رمزارزها تخطی از مقررات مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است و از آنجایی که رمزارزها را مغایر با قوانین ضد پول‌شویی می‌دانند، برای استفاده از رمزارزها مجازات زندان تعیین شده است.

* بولیوی

استفاده از ارزهای مجازی در این کشور ممنوع اعلام شده است. بر اساس بیانیه بانک مرکزی این کشور، استفاده از هر ابزار دارای ارزش که توسط مقامات پولی این کشور منتشر نشده است ممنوع است. همچنین بانک مرکزی این کشور با توجه به اینکه رمزارزهایی همانند بیت‌کوین مقررات‌گذاری نشده است، در خصوص زیان‌های احتمالی آن‌ها به عموم مردم هشدار داده است.



* مراکش

در اطلاعیه مطبوعاتی که در نوامبر سال ۲۰۱۷ میلادی در وبسایت رسمی دفتر مبادلات مراکش منتشر شد، مبادلات ارزهای مجازی ممنوع و تهدیدات سختی نیز در رابطه با آن اعلام شد.

* امارات

بر اساس نظر بانک مرکزی این کشور در سال ۲۰۱۷ میلادی، کلیه معاملات ارزهای مجازی ممنوع اعلام شد. در ژانویه سال ۲۰۱۸ میلادی نیز رئیس کل بانک مرکزی امارات مجدداً هشدار در خصوص معاملات رمزارزها را تکرار کرد.

* عربستان سعودی

آژانس پولی عربستان سعودی^۱ در بیانیه‌ای با اشاره به اینکه بیت‌کوین تحت نظارت و به پشتوانه هیچ مرجع قانونی نیست، هشدار را علیه بیت‌کوین صادر کرد. این آژانس در اکتبر سال ۲۰۱۷ میلادی اعلام کرد که پروژه آزمایشی ارز دیجیتال محلی را تنها برای معاملات بین‌بانکی در دست بررسی دارد.

* مصر

بانک مرکزی مصر در ژانویه سال ۲۰۱۸ میلادی، با استناد به ریسک بالای رمزارزها بیانیه‌ای صادر کرد و در آن، در رابطه با دادوستد رمزارزهایی مانند بیت‌کوین هشدار داد و تأکید کرد که کلیه مبادلات در این کشور تنها بر اساس ارزهای رسمی بانک مرکزی باید صورت پذیرد. همچنین، بر اساس فتوای «دارالافتاء مصر» که نهاد مقررات‌گذاری شریعت در این کشور است، معاملات بیت‌کوین حرام اعلام شده است. بر اساس بیانیه این نهاد، رمزارزها می‌توانند امنیت ملی و سیستم‌های مالی این کشور را مخدوش کند و همچنین از این قابلیت برخوردار است که در مواردی همچون تأمین مالی تروریسم و فعالیت‌های تروریستی مورد استفاده قرار گیرد و به همین دلیل معاملات آن‌ها شرعاً جایز نیست.

۳-۵-۳ ممنوعیت بخشی

* ایران

بر اساس مصوبه شورای عالی مبارزه با پول شویی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷، استفاده از رمزارزها توسط کلیه مؤسسات مالی از جمله بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ممنوع است. بر اساس این اطلاعیه، هرگونه استفاده و خرید و فروش بیت‌کوین و سایر ارزهای دیجیتال در بانک‌ها، مؤسسات مالی، و صرافی‌های دارای مجوز بانک مرکزی رسماً ممنوع اعلام شد. به عبارتی، تنها بانک‌ها و صرافی‌های زیر نظر بانک مرکزی از خرید و فروش بیت‌کوین به‌طور رسمی منع شده‌اند؛ لذا این حکم به معنای ممنوعیت کامل بیت‌کوین و ارزهای مجازی نیست. بر اساس مصوبه هیئت‌وزیران در ۶ مردادماه ۱۳۹۸، نیز استفاده از رمزارزها صرفاً با قبول مسئولیت ریسک از سوی متعاملان امکان‌پذیر است و مشمول حمایت و ضمانت دولت و نظام بانکی نیست، همچنین استفاده از این نوع ارزها در مبادلات داخل کشور مجاز نیست. با توجه به این مصوبه، استخراج رمزارزها با اخذ مجوز از وزارت صنعت، معدن، و تجارت مجاز است.

^۱ Saudi Arabian Monetary Authority, SAMA



* کره جنوبی

پیش‌تر بازارهای خریدوفروش رمزارزها در این کشور دارای قوانین خاصی نبود و کاربران به‌صورت ناشناس اقدام به خریدوفروش رمزارز می‌کردند. در اواخر سال ۲۰۱۷ میلادی و بنابر اعلام کمیسیون خدمات مالی^۱ این کشور، مجوز مبادلات رمزارزها فقط شامل آن دسته از مشتریانی شد که نام آن‌ها با حساب بانکی‌شان تطابق دارد. همچنین به شهروندان خارجی (اعم از بومی و غیره بومی) و افراد زیر سن قانونی اجازه تجارت با رمزارز داده نمی‌شود.

* قطر

در فوریه سال ۲۰۱۸ میلادی، بانک مرکزی قطر طی بخشنامه‌ای به کلیه بانک‌های قطر نسبت به معاملات با بیت‌کوین هشدار داد. در این بخشنامه، به این نکته اشاره شده که بیت‌کوین غیرقانونی است و از پشتیبانی بانک مرکزی یا حکومت برخوردار نیست. همچنین معاملات رمزارزها با ریسک بالای نوسانات قیمتی و ریسک استفاده در جرائم مالی همراه است. لذا براین اساس، بانک‌ها و مؤسسات مالی از فعالیت در زمینه رمزارزها منع شده‌اند.

* اوکراین

در نوامبر ۲۰۱۷، قانون‌گذاران مالی اوکراین نسبت به فعالیت رمزارزها و سرمایه‌گذاری در این بخش هشدار دادند. در ژانویه ۲۰۱۸، واحد امنیت فضای مجازی و شورای امنیت ملی اوکراین اعلام کرد که این کشور اجازه فعالیت و گردش کنترل‌نشده رمزارزها را نمی‌دهد و در تلاش است تا چهارچوب قانونی برای نظارت بر آن‌ها تدوین کند. همچنین در ژانویه ۲۰۱۸، رئیس بخش جرائم رایانه‌ای پلیس اوکراین اعلام کرد که اگر وضعیت قانونی رمزارزها در آینده نزدیک تنظیم نشود، گردش رمزارزها را ممنوع خواهد کرد. در مارس ۲۰۱۸، دولت این کشور با تکمیل طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی در یک بند، فعالیت‌های معدن‌کاوی را مجاز در نظر گرفت.

* بحرین

رئیس بانک مرکزی بحرین در خصوص رمزارزها به‌ویژه بیت‌کوین هشدار داده است. بنابر اعلام وی، فعالیت‌های مربوط به این ارزها در بحرین غیرقانونی است. با این حال، شهروندان بحرینی می‌توانند در خارج از بحرین به سرمایه‌گذاری در این بخش بپردازند.

* پرتغال

بر اساس اعلام بانک مرکزی پرتغال، فعالیت‌های مربوط به رمزارزها در این کشور قانونی نیست؛ زیرا این فعالیت‌ها تحت نظارت بانک مرکزی و دیگر مقامات نظارتی قرار ندارد.

۳-۵-۴ عدم اتخاذ موضع دقیق در خصوص ممنوعیت یا عدم ممنوعیت

* انگلستان

بریتانیا هیچ قانون مشخصی در رابطه با رمزارزهایی همچون بیت‌کوین، اتریوم، لایت‌کوین، و غیره ندارد. بنابر اعلام بانک مرکزی این کشور، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد رمزارزها امکان مقایسه آن با سایر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و روش‌های پرداخت وجود ندارد. برای مقوله مالیات نیز رمزارزها از قوانین کلی مبادله ارزهای خارجی پیروی می‌کنند. در این کشور، هیچ بیانیه رسمی در خصوص رمزارزها وجود ندارد، اما بر اساس مقررات نهاد اخذ مالیات، خریدوفروش

^۱ South Korean Financial Cervuses Commission, FCC



بیت‌کوین مشمول پرداخت مالیات بر ارزش افزوده است. بریتانیا قصد دارد با کمک افسی‌ای برای حمایت از کسب‌وکارهای حوزه رمزارز، یک سند باکس نظارتی ایجاد کند که شرکت‌ها و کسب‌وکارهایی که در حال توسعه پلتفرمی مبتنی بر فناوری دفتر کل توزیع شده هستند، قادر باشند راه‌حل‌ها و محصولات نوآورانه خود را بدون درگیری با قوانین پیچیده توسعه و مورد ارزیابی قرار دهند.

* عمان

بانک مرکزی عمان در سال ۲۰۱۸ میلادی، با انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد که هیچ دستوالعمل و سیاستی در رابطه با ارزهای دیجیتال یا رمزارزها در این کشور وجود ندارد و هیچ مسئولیتی در قبال عواقب مالی احتمالی ناشی از معاملات این رمزارزها متوجه این نهاد نخواهد بود.

* مجارستان

در ۲۰ دسامبر سال ۲۰۱۶ میلادی، بانک مرکزی این کشور به استفاده‌کنندگان از ارزهای مجازی نسبت به ریسک‌های بسیار آن‌ها هشدار داد. در حال حاضر، در این کشور قانون و مقرراتی در رابطه با رمزارزها وجود ندارد.

* برزیل

در این کشور قانون مشخصی در حوزه رمزارزها وجود ندارد و تنها در نوامبر سال ۲۰۱۷ میلادی، بانک مرکزی این کشور بر اساس اعلامیه‌ای نسبت به خطرهای ناشی از نگهداری و معاملات ارزهای مجازی به شهروندان این کشور هشدار داد.

* یونان

بانک مرکزی یونان در اطلاعیه‌هایی که در دو نوبت صادر کرد با استناد بر نظرهای مقامات نظارتی اروپا، ریسک‌های ارزهای مجازی را به استفاده‌کنندگان آن گوشزد کرد.

* ارمنستان

در مارس ۲۰۱۸، دولت ارمنستان با استناد به موضع‌گیری اکثر کشورهای پیشرو در خصوص رمزارزها، سندی را منتشر و در طی آن اعلام کرد که استفاده از رمزارزها توصیه نمی‌شود. این سند در واکنش به پیش‌نویس قانونی در زمینه توسعه فناوری‌های دیجیتال که توسط یک حزب سیاسی مخالف مطرح شده بود، انتشار یافت. بر اساس پیش‌نویس مذکور، فعالیت معدن‌کاوی مشمول معافیت مالیاتی تا سال ۲۰۳۰ می‌شد.

۴ حکم‌شناسی: استخراج احکام فقهی انواع رمزارزها و توکن‌ها

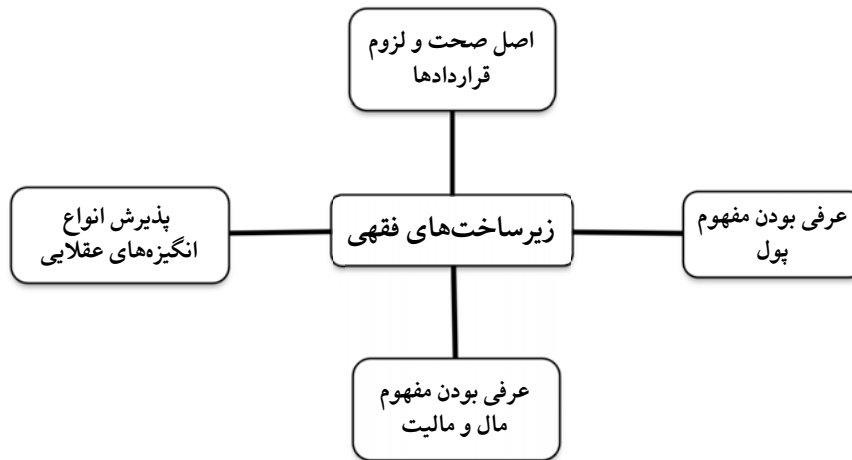
پس از موضوع‌شناسی ماهیت انواع رمزارزها و توکن‌ها و بررسی تجارب کشورها در تعیین ماهیت و مقررات‌گذاری آن‌ها، نوبت به مسئله استخراج احکام شرعی یا حکم‌شناسی مسئله می‌رسد. در این رابطه سه موضوع زیر ساخت‌های فقهی، چالش‌های فقهی، و احکام استخراج و مبادله دارای اهمیت است که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.^۱

^۱ لازم به ذکر است، کلیه تحلیل‌های ارائه شده در این قسمت در چهارچوب احکام اولیه فقهی است و شامل احکام ثانویه و احکام حکومتی نمی‌شود. چرا که مثلاً ممکن است استفاده از یک پدیده به لحاظ شرعی مجاز باشد، اما حاکم اسلامی به دلیل ملاحظاتی مانند عدالت اقتصادی و یا امنیت ملی، حکم به ممنوعیت دهد. علاوه بر این، فارغ از اینکه ماهیت رمزارز پول، دارایی، و یا کالا باشد، بحث فقهی در رابطه با آن اهمیت دارد. چرا که رمزارز تحت هر عنوانی بخواهد مورد استفاده قرار گیرد، لازم است از نبود شبهاتی مانند مالیت و غرر در رابطه با آن اطمینان حاصل شود.



۴-۱ زیرساخت‌های فقهی

اولین مسئله در تحلیل فقهی رمزارزها توجه به زیرساخت‌های فقهی است. منظور از زیرساخت‌های فقهی اصول کلی و بنیادین است که در شریعت و فقه اسلامی مطرح شده است و می‌توان از آن‌ها در تحلیل رمزارزها استفاده کرد. برخی از مهم‌ترین موارد این اصول در شکل ۶ مطرح شده و در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.



شکل ۶. زیرساخت‌های فقهی در تحلیل رمزارزها و توکن‌ها

۴-۱-۱ اصل صحت و لزوم قراردادها

رویکرد شریعت و فقه اسلامی در «صحیح» و «لازم» دانستن قراردادها، ابزارها، و شیوه‌های جدید یکی از زیرساخت‌های فقهی قابل تأمل در تحلیل پدیده رمزارزها محسوب می‌شود. در واقع بر اساس فقه اسلامی، اصل بر آن است که کلیه ابزارها و راهکارهای جدید که در زمان مختلف جهت پاسخگویی به نیازهای هر عصر و دوره‌ای ابداع می‌شود، به لحاظ شرعی مورد تأیید است، مگر آنکه خلاف یکی از ضوابط شریعت (مانند ربا یا قمار) باشد. علاوه بر این، اصل اولی در قراردادها لزوم است، مگر اینکه جواز یک قرارداد با دلیل خاص ثابت شود.

با توجه به این مطلب، می‌توان این اصل را این‌گونه تعریف کرد: «هر عهد و پیمانی که از منظر عرف و عقلا قرارداد و عقد محسوب شود، از دیدگاه شرع صحیح و لازم است، مگر اینکه دلیل خاص یا عامی برخلاف آن اقامه شود». لذا بعد از احراز عرفی صدق معامله، اگر به هر دلیلی در صحت شرعی شک داشته باشیم، تا زمانی که دلیل خاص یا عام بر بطلان معامله نباشد، معامله از نظر شرعی صحیح است و آثار معامله بر آن مترتب می‌شود. در این مطلب، تفاوتی بین معاملات رایج در صدر اسلام و معاملات جدید وجود ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق.، ج. ۱، ص. ۱۱۳).^۱

^۱ لازم به ذکر است، اصل صحت در قوانین کشور نیز مطرح شده است. مثلاً ماده ۱۰ قانون مدنی بیان می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است».



در رابطه با معاملات رمزارزها و توکن‌ها نیز که به‌عنوان پدیده‌های مستحدث در سال‌های اخیر رایج شده است، اگر نشان داده شود که محدودیت‌های شرعی مانند نبود مالیت، ربا، ضرر، غرر، قمار، و اکل مال به باطل در رابطه با آن‌ها وجود ندارد، آنگاه می‌توان با مراجعه به اصل صحت و لزوم قراردادهای در فقه اسلامی این معاملات را تأیید کرد.^۱

۴-۱-۲ عرفی بودن مفهوم پول

عرفی بودن مفهوم پول در چهارچوب تفکر اسلامی زیرساخت دیگری است که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. در واقع، مفهوم پول اختراع شریعت نبوده و پدیده‌ای عرفی است و همان‌طور که پول درهم و دینار در عصر پیامبر (ص) رایج بود و مورد نهی شرعی قرار نگرفت، پول‌های اعتباری و بدون پشتوانه^۲ امروزی نیز همین وضعیت را دارد؛ یعنی پدیده‌ای عرفی است که در چهارچوب شریعت مورد پذیرش واقع می‌شود (عربی و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۴۴).

بر این اساس، اگر در آینده رمزارزها کارکرد پول پیدا کند و بتواند وظایف و کارکردهای اصلی پول شامل وسیله مبادله، معیار سنجش، ذخیره ارزش، و معیار پرداخت‌های معوق را ایفا کند، امکان پذیرش آن‌ها به‌عنوان پول منطبق با شریعت وجود خواهد داشت؛ البته با این فرض که شبهاتی مانند غرر در رابطه با آن‌ها وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، رایج شدن استفاده از رمزارزها در کنار پول‌های بدون پشتوانه فعلی و یا به‌عنوان جایگزین آن‌ها، به‌لحاظ شرعی با محدودیت خاصی مواجه نیست؛ چراکه اساساً پول مفهومی عرفی است و نه ابداع شریعت.

۴-۱-۳ عرفی بودن مفهوم مال و مالیت

از منظر فقه اسلامی، مال و مالیت اساساً «مفهومی عرفی انتزاعی» است و نه «مفهومی شرعی». در واقع، معیار و مرجع برای تشخیص مال بودن و مالیت داشتن یک شیء صرفاً عرف است و برای استخراج این موضوع نیز باید به عرف مراجعه کرد. بر این اساس، اینکه گفته می‌شود یک شیء به‌لحاظ شرعی فاقد مالیت است، عبارتی تسامحی بوده و بدان معنی است که شارع مقدس آثار مالیت را نمی‌پذیرد.

امام خمینی (ره) در کتاب *البیع* در این رابطه بیان می‌کند: «با فرض اعتبار مالیت در ماهیت بیع، آنچه اعتبار دارد مالیت عرفی است (و نه مالیت شرعی). لذا اگر فرض شود که یک شیء از نظر شارع مقدس مال نیست، ولی از نظر عرف مال محسوب می‌شود، این موضوع بر صدق عنوان بیع بر این معامله خللی وارد نمی‌کند (هرچند که ممکن است این بیع به‌لحاظ شرعی باطل و فاقد اثر باشد)؛ بنابراین، اساساً ساقط کردن مالیت عرفی اشیا در وسع شریعت نیست و آنچه شریعت می‌تواند انجام دهد، جلوگیری از آثار معاملات به‌صورت کلی یا جزئی است و نه سلب کردن جایگاه و اعتبار عرف (در تعیین مالیت اشیا). با پذیرش این دیدگاه، مواردی مثل شراب و خوک به‌لحاظ عرفی مال محسوب می‌شوند،

^۱ مباحث مطرح شده در رابطه با اصل صحت و سایر مباحث فقهی، به‌صورت مختصر و در حد نیازهای این پژوهش مطرح می‌شود. بر این اساس جهت پیگیری مطلب می‌توان به سایر منابع مراجعه کرد.

^۲ Fiat Money



اما شارع مقدس آثار مالیت آن‌ها را سلب کرده است. از این رو، اتلاف آن‌ها ضمان آور نیست، بیع آن‌ها صحیح نیست، و غیره^۱ (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج. ۳، ص. ۹).

بنابراین، شارع مقدس می‌تواند آثار و احکام مالیت را از برخی اشیا سلب کند. این مطلب در قوانین کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، اصل ۴۷ قانون اساسی بیان می‌دارد: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و ضوابط آن را قانون معین می‌کند». یا اینکه ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی تأکید می‌کند: «سرقه در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است: الف- شیء مسروق شرعاً مالیت داشته باشد». لذا اگر شیئی مالیت نداشته باشد، سرقه آن موجب اجرای احکام حدود شرعی نخواهد بود.

۴-۱-۴ پذیرش تمام انگیزه‌های عقلایی در چهارچوب شریعت

آخرین مسئله در تحلیل زیرساخت‌های فقهی به مقوله پذیرش تمام انگیزه‌های عقلایی در فقه اسلامی بازمی‌گردد. در واقع، تمام انگیزه‌هایی (اصطلاحاً دواعی) که افراد به دلیل آن‌ها به انجام دادن معاملات اقدام می‌کنند، به لحاظ شرعی مورد تأیید است، مگر آنکه نهی خاصی وجود داشته باشد. مثلاً خرید کالاها و خدمات به قصد مصرف، سرمایه‌گذاری، کسب سود، سیاست‌گذاری پولی و مالی، و غیره صحیح است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۸).

البته پذیرش تمام انگیزه‌های عقلایی محدود به ضوابط کلی شریعت اسلامی مانند ربا، قمار، غرر، و ضرر است. لذا مثلاً هرچند سرگرمی به عنوان انگیزه و داعی عقلایی به لحاظ شرعی مورد تأیید است، اما اگر این هدف با استفاده از روش‌های غیر شرعی پیگیری شود، به لحاظ شرعی پذیرفته نیست. مثلاً اگر فردی اعلام کند که از آلات اختصاصی قمار صرفاً با هدف سرگرمی استفاده می‌کند، باز هم نمی‌توان این فعل را مشروع محسوب کرد. چرا که قمار به صورت کلی در شریعت تحریم شده و استفاده از آن با هر انگیزه‌ای غیرمجاز است.

۴-۲-۴ چالش‌های فقهی: ضوابط شریعت در حوزه رمزارزها

همان‌طور که ملاحظه شد، زیرساخت‌های فقهی و شرعی مناسب جهت استفاده از رمزارزها و توکن‌ها فراهم است. در واقع، رویکرد شریعت اسلامی به نهادها، ابزارها، و محصولات جدید نه تنها محدودکننده نیست، بلکه با پذیرش اصول ذکر شده (به ویژه اصل صحت) بستر لازم برای استفاده از آن‌ها فراهم است.

با این حال لازم است به محدودیت‌ها و خطوط قرمز شریعت در فعالیت‌های اقتصادی نیز توجه شود. چرا که همان‌طور که ذکر شد، اصل آزادی قراردادها در چهارچوب ضوابط شریعت معنا پیدا می‌کند و به همین دلیل بررسی ضوابط فقهی در رابطه با رمزارزها و توکن‌ها دارای اهمیت است. این ضوابط که در شکل ۷ بیان شده عبارت‌اند از: مالیت، ممنوعیت غرر، ممنوعیت ربا، ممنوعیت قمار، ممنوعیت ضرر، و ممنوعیت اکل مال به باطل.

^۱ «ثم علی فرض اعتبار المالیه فی ماهیه البیع، فالمعتبر هو المالیه العرفیه، فلو فرض کون شیء غیر مال بنظر الشارع الأقدس و مآلاً بنظر العرف، لا یضمرّ ذلك بصدق «البيع» علیه و لیس فی وسع الشرع إسقاط المالیه العرفیه، بل ما هو فی وسعه سلب الآثار مطلقاً أو فی الجملة، لا سلب اعتبار العرف. فالخمر و الخنزیر مال عرفاً، أسقط الشارع المقدّس آثار مالیتها، فلا ضمان فی إتلافها و لا یصحّ بیعهما إلی غیر ذلك».



شکل ۷. ضوابط فقهی در تحلیل رمزارزها

بر اساس تقسیم‌بندی انجام‌شده در قسمت موضوع‌شناسی، لازم است به چهار گروه یعنی رمزارزهای جهان‌روا (توکن پرداخت با دفتر کل توزیع شده عام)، رمزارز بانک مرکزی (توکن پرداخت با دفتر کل توزیع خاص)، توکن‌های بهادار، و توکن‌های کاربردی تفکیک قائل شد. بانک مرکزی مسئولیت قانونی و حقوقی مشخص و تعریف‌شده در رابطه با رمزارز بانک مرکزی بر عهده دارد و به بیان فقهی، بانک مرکزی معتبر (اعتباردهنده) این رمزارزهاست. بر این اساس، این رمزارز در واقع یک نوع ریال جدید و رمزنگاری شده است و لذا ماهیت آن با ماهیت ریال تفاوتی ندارد؛ فقط در توسعه این واحد پولی جدید از بستر بلاک‌چین و دفاتر کل توزیع شده استفاده شده است. لذا همان‌طور که استفاده از ریال با شبهه شرعی مواجه نیست، استفاده از رمزارز بانک مرکزی نیز به صورت ذاتی با شبهه شرعی مواجه نیست. البته ممکن است در عمل از رمزارز بانک مرکزی جهت معاملات ربوی یا غرری استفاده شود که این بحثی ثانویه است و ارتباطی با ماهیت رمزارز ندارد؛ همان‌طور که ممکن است از ریال در معاملات دارای شبهه استفاده شود.

مشابه همین بحث در رابطه با توکن‌های بهادار و کاربردی نیز مطرح می‌شود. چرا که این توکن‌ها در واقع محصولات رمزنگاری شده یک یا چند بانک، نهاد مالی، یا غیرمالی است که دارنده آن دارای حقوقی در رابطه با دارایی‌های مشخص یا اولویت‌های خاص است. بر این اساس، ماهیت آن‌ها با ماهیت سایر دارایی‌های مالی شباهت پیدا می‌کند. مثلاً شخصی که توکن سهام^۱ یا توکن اوراق بهادار (صکوک)^۲ را خریداری می‌کند، به لحاظ حقوقی مانند کسی است که سهام عادی را خریداری کرده است. در اینجا هم تمام توکن‌ها دارای مسئول و یا اعتباردهنده قانونی مشخص است و لذا به صورت ذاتی شبهه فقهی خاصی در رابطه با آن‌ها مطرح نمی‌شود.

اما وضعیت در رابطه با توکن‌های پرداخت که اصطلاحاً رمزارزهای جهان‌روا نامیده می‌شوند (مانند بیت‌کوین) متفاوت است. این توکن‌ها دارای مسئول و اعتباردهنده قانونی مشخص نیست و اساساً غیرمتمرکز بودن ذات آن‌ها و دلیل

^۱ Tokenized Shares

^۲ Tokenized Securities



استفاده گسترده از آن‌ها محسوب می‌شود. به دلیل همین ماهیت، ارزیابی چالش‌های فقهی در رابطه با این دسته از رمزارزها دارای اهمیت است.

هرچند دو موضوع مالیت و غرر در تحلیل فقهی رمزارزهای جهان‌روا به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها قابل طرح است و دیدگاه‌های فقهی مختلفی در رابطه با آن‌ها وجود دارد (که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد)، به نظر می‌رسد بدون در نظر گرفتن این دو مسئله، سایر شبهات فقهی در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا قابل توجه نیست.

به‌طور خاص، ربا در ذات این رمزارزها راه ندارد و می‌توان از رمزارزهای جهان‌روا در قالب معاملات غیرقرضی استفاده کرد. مسئله قمار نیز به‌طور ذاتی در رابطه با آن‌ها مطرح نیست؛ زیرا اگر بر اساس نظر مشهور فقهی قمار شامل دو حالت یعنی «بازی با وسایل (آلات) مخصوص قمار، چه با شرط‌بندی (مراهنه) باشد و چه بدون آن» و «هر نوع بازی همراه با شرط‌بندی» در نظر گرفته شود (نجفی، ۱۴۱۷ ق.، ج. ۲۵، ص. ۳۱)، معاملات رمزارزهای جهان‌روا شامل هیچ‌کدام نمی‌شود؛ زیرا رمزارز از وسایل مخصوص قمار نیست و اساساً بدون شرط‌بندی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، اساساً منطق شرط‌بندی در رمزارزها قابل تصور نیست و سود یک فرد الزاماً معادل زیان طرف دیگر محسوب نمی‌شود.

ضرری بودن رمزارزهای جهان‌روا نه در سطح فردی نه در سطح اجتماع، امری قطعی محسوب نمی‌شود. در سطح فردی اگر افراد با اطلاع مناسب به خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا اقدام کنند و از این محل ضرری متوجه آن‌ها شود، از نوع پذیرش ریسک و انجام معاملات پرمخاطره محسوب می‌شود که در ذیل قاعده فقهی اقدام^۱ مطرح می‌شود و نمی‌توان آن را فعلی ضرری دانست. همان‌طور که افراد در بازارهای سرمایه و بدهی می‌توانند به خرید دارایی‌های مالی پربریک اقدام کنند و این فعل را نمی‌توان الزاماً ضرری محسوب کرد.

در سطح جامعه و حاکمیت نیز دلیلی وجود ندارد که معاملات رمزارزها را الزاماً ضرری محسوب کرد. همان‌طور که در بسیاری از کشورها رمزارزها به‌عنوان ابزار پرداخت، دارایی مالی، و کالا جایگاه قانونی مشخص پیدا کرده‌اند و توسعه آن‌ها نه تنها ضرری برای کل اقتصاد و حاکمیت ایجاد نکرده، بلکه با کاهش هزینه‌های مبادلاتی و افزایش سرعت مبادلات، زمینه افزایش کارایی در بازارهای مالی را فراهم کرده است.

در رابطه با بحث قاعده اکل مال به باطل، صرف‌نظر از دو بحث مالیت و غرر، می‌توان مدعی بود که دلیلی برای وجود اکل مال به باطل در معاملات رمزارزها وجود ندارد؛ اما اگر ثابت شود که شبهات مالیت و غرر در رابطه با رمزارزها به‌صورت جدی قابل طرح است، آنگاه به تبع آن شبهه اکل مال به باطل نیز مطرح خواهد شد.

لازم به ذکر است، برخی از محققین در تحلیل فقهی رمزارزها به مواردی همچون پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، فرار مالیاتی، تسلط بیگانگان و قاعده نفی سبیل، اخلال در نظام اسلامی، ناعادلانه بودن، و غیره اشاره کرده‌اند (میرزاخانی و سعدی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲) که به نظر می‌رسد این موارد مبنای فقهی دقیقی نداشته و بیشتر ناشی از خطای موضوع‌شناسی است. چرا که این موارد جزو ذات رمزارزها محسوب نمی‌شود و موارد تبعی است. لذا همان‌طور که در قسمت

^۱ قاعده فقهی اقدام که از آن به قاعده «اقدام به زیان» نیز تعبیر می‌شود، بیان می‌کند هرگاه شخصی با علم و آگاهی عملی انجام دهد که سبب ایجاد زیان توسط دیگران به او شود، واردکننده زیان (که شخص دیگری است) مسئول خسارت نخواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۱؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص. ۹۳). فقها و حقوق‌دانان مسئولیت نداشتن واردکننده زیان را مستند به اقدام دانسته‌اند؛ بدین معنا که شخص با اقدام علیه منافع خود، موجب از بین رفتن احترام مالش شده است. در واقع، هرچند مالکیت شخص بر اموالش مشمول حمایت شرع و قانون است، اما زمانی که شخص اقدامی انجام دهد که مالکیتش بر تمام یا بخشی از اموالش به خطر بیفتد، خود مسئول زیان‌های وارد شده و آسیب به اموالش خواهد بود. قاعده اقدام به دلایل عقلی و نقلی از سوی مشهور فقها پذیرفته شده است و می‌توان به احکام متعددی در منابع فقهی و حقوقی اشاره کرد که مبنای آن‌ها قاعده اقدام است. مثلاً اگر شخصی با آگاهی به غبن، اقدام به خرید، فروش، یا اجاره مالی کند، به لحاظ فقهی خیار فسخ ندارد و نمی‌تواند خسارت مطالبه کند؛ زیرا به زیان خویش اقدام کرده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ ق.، ج. ۵، ص. ۳۵).



موضوع‌شناسی ملاحظه شد، بسیاری از کشورها تلاش کرده‌اند تا با در نظر گرفتن تدابیر مقرراتی و نظارتی مناسب، از یک طرف از منافع رمزارزها استفاده کنند و از سوی دیگر مخاطرات ذکر شده را مدیریت کنند.

علاوه بر این، شبهات مذکور عیناً می‌تواند در رابطه با سایر پدیده‌های جدید مانند شبکه‌های اجتماعی و اینترنت و حتی اساس توسعه بازار بدهی و بازار پول مطرح شود و همان‌طور که در این موارد به دلیل وجود مخاطره و نگرانی حکم به عدم جواز شرعی داده نمی‌شود، در رابطه با رمزارزها نیز نمی‌توان بر اساس این موارد حکم به خلاف شرع بودن آن‌ها داد. البته لازم است با شناخت دقیق ریسک‌ها و مخاطرات مذکور (و استفاده مناسب از تجارب سایر کشورها) برای آن‌ها تدابیری در نظر گرفت تا توسعه بازار رمزارزها سبب ایجاد چالش‌های ذکر شده نشود.

۴-۲-۱ مالیت

مسئله مالیت یکی از مهم‌ترین شبهاتی است که در رابطه با بحث رمزارزهای جهان‌روا مطرح می‌شود. ریشه فقهی این بحث را می‌توان در ذیل بحث عناصر مقوم مالیت اشیاء پیگیری کرد که معمولاً در بحث مکاسب محرمه مورد بحث واقع می‌شود. در واقع، فقها در این مقام، این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند که چرا برخی از اشیاء به خاطر دارا بودن یک سری صفات و خصوصیات، مورد میل و رغبت معاملی مردم هستند و مردم حاضرند به ازای آن‌ها، پول یا شیء با ارزش دیگری را بپردازند (مانند خانه، ماشین، و لباس)، ولی برخی دیگر از اشیاء چنین نیست و مردم نسبت به آن‌ها رغبت معاملی ندارند و در مقابلشان هم چیزی نمی‌پردازند (مانند غذای فاسدشده، نور خورشید، و هوا)؟ به عبارت دقیق‌تر، سؤال مورد توجه فقها آن است که: «چرا برخی از اشیاء نزد عرف مال شناخته می‌شود و برخی دیگر مال به حساب نمی‌آید؟؛ ملاک مال به حساب آمدن چیست؟»

پاسخی اجمالی که تقریباً تمام فقها در رابطه با آن اتفاق نظر دارند آن است که ملاک وجود نفع عقلایی در شیء و به تعبیر دیگر منفعت محلله مقصوده^۱ است. در واقع، اگر شیئی از جهت کیفیت، وجودش طوری بود که هیچ نفعی برای هیچ‌یک از انسان‌ها نداشت و هیچ غرضی از اغراض انسان‌ها هم به آن تعلق نمی‌گرفت، چنین شیئی قطعاً «مال» به حساب نمی‌آید (مثل میوه‌ای که فاسد شده است)؛ اما اگر نفعی عقلایی بر شیء تعلق بگیرد و معامله آن بتواند نفعی حلال ایجاد کند، آنگاه مال به حساب می‌آید^۲ (مطهری، ۱۳۸۹، ج. ۲۰، ص. ۴۰۷؛ جداری عالی، ۱۳۸۳، ص. ۶۹). امام خمینی (ره) در کتاب مکاسب محرمه در این رابطه بیان می‌دارد: «معیار صحت در این رابطه، عقلایی بودن معامله و سفهی نبودن آن است»^۳ (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق. ۱، ص. ۲۴۵).

علی‌رغم اتفاق نظر موجود در رابطه با اصل مسئله (ملاک بودن نفع عقلایی در مال گردیدن اشیاء)، در رابطه با اینکه نفع عقلایی چیست، نظر واحدی در میان فقها وجود ندارد. در این رابطه می‌توان مجموع دیدگاه‌های موجود در میان فقها را به دو دسته تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

^۱ منفعت حلالی که مورد توجه و قصد عقلا قرار می‌گیرد.

^۲ در اینجا لازم است به تفاوت امر عقلی و عقلایی توجه شود. منظور از نوع اول اموری است که دقیقاً با چهارچوب‌های عقلی سازگاری دارد؛ اما امور عقلایی مسائلی را شامل می‌شود که نزد عموم عقلا عالم مورد پذیرش است (هرچند با دقت‌های عقلی محض قابل قبول نباشد). مثلاً مشاهده سریال تلویزیونی که سرتاسر مطالبش دروغ و خیال‌پردازی است، از جهت سرگرمی، نفع عقلایی دارد؛ هرچند عقل کل آن را دروغ و غیرواقعی بپندارد (لنگرودی، ۱۳۷۲، ص. ۳۹).

^۳ «فالمیزان فی الصحه عقلانیة المعامله و الخروج عن السفهه».

^۴ منفعت حلالی که مورد توجه و قصد عقلا قرار می‌گیرد.



الف- کافی بودن وجود هر نوع نفع عقلایی جهت ایجاد مالیت (کفایت عرف خاص)؛
ب- ضرورت وجود نفع عقلایی نوعی جهت ایجاد مالیت (عرف عام).

پذیرش هر یک از این دو دیدگاه می‌تواند در تحلیل پدیده رمارزهای جهان‌روا اثرگذاری قابل‌توجهی داشته باشد. بر این اساس در ادامه، دلایل فقهی موافق و مخالف در این بحث مورد بحث قرار می‌گیرد. البته دلایل فقهی صرفاً محدود به مسئله نفع عقلایی نبوده و مسائل دیگری مانند اعتباردهنده و توهم مالیت نیز در کنار این موضوع اصلی قابل‌طرح است.^۱

الف- دلایل فقهی پذیرش مالیت رمارزهای جهان‌روا

می‌توان دلایل فقهی مشخصی در تأیید مالیت رمارزهای جهان‌روا ارائه کرد که در این قسمت به دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

* کافی بودن وجود عرف عام یا خاص (معیار بودن عرضه و تقاضا)

همان‌طور که ذکر شد بر اساس نظر گروهی از فقها، هر نوع وجود عرضه و تقاضا برای یک شیء برای ایجاد مالیت کفایت می‌کند و نیازی به ایجاد عرف عام جهت شکل‌گیری مالیت وجود ندارد. بر اساس این دیدگاه، اگر فردی خاص نفعی مشخص از یک شیء را برای خود تصور کند و دیگران تصور وی را صرفاً یک توهم در نظر بگیرند، باز هم این تصور فرد به ایجاد تقاضا برای شیء و در نتیجه وجود مالیت در آن منجر می‌شود.

به‌عنوان مثال، فرض کنید که شهرداری یک منطقه کوهستانی به دلایلی اعلام کند که نوع خاصی از مارها را خریداری می‌کند؛ به‌نحوی که افراد مطلع از تقاضای شهرداری شروع به جمع‌آوری مارها و فروش آن‌ها به شهرداری کنند. بر اثر همین عرضه و تقاضا نیز بازاری برای مارها شکل بگیرد. در این شرایط تا زمانی که بازار خرید و فروش پابرجا باشد، مارها نزد مردم از رغبت معاملی برخوردار بوده و بر اساس دیدگاه این گروه از فقها، مالیت شرعی خواهند داشت. در رابطه با رمارزهای جهان‌روا نیز به دلیل آنکه عرضه و تقاضا برای آن‌ها وجود دارد و در بسیاری از کشورها بازاری برای آن‌ها شکل گرفته است، لذا مالیت آن‌ها اثبات می‌شود. به نظر می‌رسد دیدگاه شهید صدر، آیت‌الله حکیم، و به‌ویژه امام خمینی (ره) را بتوان در این گروه جای داد.

آیت‌الله حکیم (ره) در این رابطه می‌فرماید: «مالیت اعتباری عقلایی است که از موضوع غرض واقع گردیدن شیء نشئت می‌گیرد. به‌نحوی که این غرض خود سبب رغبت مردم به آن شیء، رقابت آن‌ها در دستیابی به آن، و نزاع در تملک آن می‌شود... علاوه بر این، نیازی نیست که غرض الزاماً نوعی باشد؛ بلکه گاهی غرض شخصی موجب مالیت یک شیء می‌شود. مثلاً غرض پادشاهی به خاکستر تعلق می‌گیرد و اعلام می‌کند که هر صاع خاکستر را به درهمی می‌خرد. در این شرایط خاکستر مالیت پیدا می‌کند و قیمت هر صاع آن ۱ درهم می‌شود... نتیجه آنکه، مالیت امری حقیقی نیست و صرفاً صفتی اعتباری است. از این رو، هر چه که باعث شود یک شیء مورد رغبت مردم قرار گیرد و آن‌ها برای به دست آوردن آن به رقابت پردازند، باعث می‌شود که بتوان از آن شیء، انتزاع مالیت کرد.»^۲ (حکیم، ۱۳۹۰ ق، ص. ۳۲۵).

^۱ ماده ۲۱۵ قانون مدنی در این رابطه بیان می‌دارد: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد».

^۲ «المالیه اعتبار عقلائی ناشیء عن کون الشیء موضوعاً لغرض موجب لحدوث رغبة الناس فیہ علی نحو یتنافسون فیہ و یتسابقون الیه و یتنازعون علیہ کما لا یعتبر تعلق الغرض النوعی به. فقد یکون الغرض لواحد مؤدیاً الی ذلک کما لو تعلق غرض الملک بالرماد فأعلن بأنه یعوِّض عن صاع منه بدرهم، صار الرماد مالا و قيمة الصاع منه درهما بعد أن لم یکن كذلك فالمالیه فی جمیع هذه الأمور لیست أمراً حقیقياً و إنما هی صفة اعتباریة منتزعة من الأسباب المؤدیة الی التنافس فی الشیء».



امام خمینی (ره) در کتاب مکاسب محرمه به خوبی این دیدگاه را بیان نموده و تأکید می‌کند: «اما در رابطه با حکم حالت دوم، یعنی شرایطی که در آن شیء مطلقاً دارای منفعت نبوده و یا اینکه منفعت عقلایی ندارد، اما در معامله غرضی عقلایی وجود داشته باشد که سبب خرید آن شود، آنگاه حکم معامله صحت و عقلایی بودن آن است»^۱ (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج. ۱، ص. ۲۴۴).

در ادامه حضرت امام (ره) در تبیین دلیل این حکم بیان می‌دارد: «مالیت یک شیء هم از جهت اصل تحققش و هم از جهت مقدار مالیتش، بستگی به عرضه و تقاضا دارد. پس چیزی که هیچ منفعت ندارد، اگر به خاطر خرید و حفظ کردنش و یا خرید و معدوم کردنش غرض سیاسی دولت (یا سایر غرض‌های عقلایی) به آن تعلق بگیرد و وجود چنین غرض‌هایی نسبت به آن شیء سبب رغبت به خرید آن شود، خود وجود این رغبت و تقاضا سبب ایجاد مالیت در شیء خواهد شد. به عنوان نمونه، اگر غرض سیاسی دولتی تعلق بگیرد به اینکه اقدام به خریداری شیئی که هیچ منفعت ندارد، بکند و با این خرید ایجاد بازاری برای آن متاع کند، آن شیء نزد عقلا ارزشمند و مال خواهد شد؛ بدون اینکه عقلا لحاظ کنند که خریدن آن شیء به چه غرضی است»^۲ (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج. ۱، ص. ۲۴۵).

در نهایت امام خمینی (ره) ملاک اصلی مالیت را صرفاً وجود هر نوع تقاضا (عرف عام، عرف خاص، و یا حتی تقاضای شخصی) و شکل‌گیری بازار در نظر می‌گیرد. به نحوی که با وجود عرضه و تقاضا شیء مالیت خواهد داشت و با از بین رفتن عرضه و تقاضا نیز شیء از مالیت خارج خواهد شد. ایشان بیان می‌دارد: «بنابراین هر شیئی به مجرد شکل‌گیری تقاضا برایش به مال تبدیل می‌شود و به محض از بین رفتن تقاضا هم مالیت خود را از دست خواهد داد. همان‌طور که میزان مالیت شیء هم تابع میزان عرضه و تقاضا خواهد بود؛ بنابراین، اشکالی در صحت چنین معاملاتی وجود نخواهد داشت و عناوین بیع، تجارت، و عقد بر آن‌ها بار خواهد شد. همان‌طور که عنوان مبادله مال به مال در رابطه با این دسته از معاملات وجود خواهد داشت. در واقع، حکم به بطلان این دسته از معاملات نیازمند دلیل است که وجود ندارد»^۳ (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج. ۱، ص. ۲۴۵).

* شفافیت بالا به دلیل متن باز بودن رمزارزهای جهان‌روا

وجود شفافیت بالا در ساختار و ماهیت فنی رمزارزهای جهان‌روا دلیل دیگری است که می‌توان در این رابطه مطرح کرد. این مسئله هرچند یک موضوع فنی است، می‌تواند در تحلیل فقهی موضوع نیز اثرگذاری داشته باشد. چرا که وجود شفافیت بالا در ماهیت فنی رمزارزها می‌تواند خود اماره‌ای باشد برای پذیرش فقهی مالیت آن‌ها.

توضیح آنکه ویژگی ذاتی فناوری موجود در پس رمزارزهای جهان‌روا یعنی بلاک‌چین، «متن باز بودن»^۴ آن است؛ یعنی پروتکل‌ها، دستورات عمل‌ها، الزامات فعالیت، و قوانین فنی و ریاضی در شبکه‌های مرتبط با رمزارزهای جهان‌روا (مانند بیت‌کوین) توسط چندین خط‌کدهای برنامه‌نویسی شده مشخص می‌شود که این کدها به صورت کامل و شفاف در اختیار

۱. «و أمّا الثانیة، أی ما لا تكون له منفعة مطلقاً أو عقلائیة لکن کان فی المعاملة غرض عقلائی موجب لاشترائه، فالتحقیق صحته و عقلائیته».

۲. «لأنّ مالیه الشیء تابعة وجوداً و مرتبه للعرض و الطلب. فما لا منفعة له مطلقاً لو تعلق باشترائه و حفظه أو اشترائه و إعداده غرض سیاسی أو غیره من الأغراض العقلائیة فصار ذلك منشأً للرغبة إلى اشترائه، أوجبت تلك الرغبة و ذلك الطلب حدوث المالیه فیه. فلو تعلق غرض دولة باشترائه ما لا منفعة له من ناحیه من النواحی لأغراض سیاسیة فأوجدت بقدرتها السوق لذلك المتاع، صار ذا قيمة لدى العقلاء من غیر لحاظ أنّ اشترائه بأی غرض کان».

۳. «الشیء صار متمولاً بمجرد حدوث التقاضی و یخرج المتمول عن کونه كذلك بمعدومیته مطلقاً. كما أنّ مراتب التمول أيضاً تابعة لکثرة للعرض و الطلب. فلا ینبغی الإشکال فی صحته تلك المعاملات و صدق البیع و التجارة و العقد علیها و کذا صدق مبادلة مال بمال؛ و الحکم بالبطلان یحتاج إلى دلیل و هو مفقود».

۴ Open Source



همگان قرار دارد. لذا افراد می‌توانند تمام خطوط این کدها را با جزئیات کامل مطالعه کنند و حتی با تغییر بخشی از این کدها، نسخهٔ رمزارز اختصاصی برای خود طراحی کند؛ به عبارت دیگر آن را شخصی سازی کنند (بانک تسویهٔ بین‌المللی، ۲۰۱۸، ص. ۱۷).

بر این اساس، به نظر می‌رسد از منظر فنی اثبات و انتقال مالیت در رمزارزهای جهان‌روا با استفاده از فرمول‌های ریاضی و فنی مشخصی انجام می‌شود که همگی قابلیت ارزیابی و صحت‌سنجی دارند. همین شفافیت ماهیتی، اماره‌ای است که می‌تواند نشان‌دهندهٔ مالیت فقهی رمزارزهای جهان‌روا باشد.

ب- دلایل فقهی عدم پذیرش مالیت رمزارزهای جهان‌روا

دلایل فقهی خاصی نیز وجود دارد که می‌توان با استفاده از آن‌ها دیدگاه عدم مالیت رمزارزهای جهان‌روا را مورد تأکید قرار داد. در ادامه به سه مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

* ضرورت وجود عرف عام و کافی نبودن عرف خاص

گروهی از فقها معتقدند که ملاک مالیت وجود نفع عقلایی عرفی در اشیاء است و نه نفع عقلایی شخصی یا خاص؛ به این معنی که اکثر عقلا وجود چنین نفعی را در شیء تأیید کنند. فرقی هم نمی‌کند که این منفعت کم باشد یا زیاد. یا اینکه این منفعت به‌کرات اتفاق بیفتد و یا به‌ندرت. بر اساس این دیدگاه، در حال حاضر توافق عمومی مبنی بر مال بودن رمزارزهای جهان‌روا وجود ندارد و تنها توافق اعتباری خاص در رابطه با مال بودن آن‌ها وجود دارد (به‌ویژه در بین سفته‌بازان جهت کسب سود). این میزان از توافق برای پذیرش مالیت شرعی رمزارزها کفایت نمی‌کند. صاحب‌جواهر، شیخ‌انصاری، آیت‌الله خویی، مقدس اردبیلی، محقق‌خوانساری، میرزا جواد تبریزی، و غیره از مدافعان این دیدگاه محسوب می‌شوند.

صاحب‌جواهر در این رابطه بیان می‌دارد: «خریدوفروش چیزی که غالباً منفعت قابل‌اعتنایی ندارد، صحیح نیست؛ مانند سوسک‌ها، عقرب‌ها، کرم‌ها، حشرات، و فضولات جدا شده از انسان مثل مو، ناخن، و رطوبت‌های آن به‌جز شیر؛ زیرا چیزهایی از این قبیل، به جهت اینکه غالباً منفعت قابل‌اعتنایی ندارند تا جزء اموال محسوب شوند، قابلیت تملک پیدا نمی‌کنند»^۱ (نجفی، ۱۴۱۷ ق.، ج. ۲۲، ص. ۳۴۳).

شیخ مرتضی‌انصاری می‌فرماید: «یکی از شرایط عوضین در خریدوفروش، مال بودن است؛ چراکه اساساً معنای بیع در لغت، مبادلهٔ مال در مقابل مال است. بر اساس همین شرط، چیزهایی که منفعت مقصوده عقلایی ندارند و یا با وجود منفعت مقصوده عقلایی، از نظر شرع حلال نشده‌اند، از تعریف بیع خارج شوند. چراکه گروه اول از نظر عرف مال به حساب نمی‌آیند (مانند: سوسک‌ها، کرم‌ها و...) و گروه دوم نیز از نظر شرع مال به حساب نمی‌آیند (مانند: مشروب و خوک)»^۲ (انصاری، ۱۴۰۶ ق.، ج. ۱، ص. ۱۶۱).

آیت‌الله خویی می‌فرماید: «گفته شده است: وقتی مشتری غرضش به خریدن چیزی که نزد عرف مال محسوب نمی‌شود، تعلق گرفت، این امر باعث ایجاد مالیت بر آن شیء می‌شود؛ چراکه مالیت اشیاء متقوم به میل و نظر عقلاست

^۱ «فلا یصح بیع...؛ و ما لا منفعه متعدا بها غالباً فیہ کالخنفس و العقارب و الدیدان و غیرها من الحشرات و الفضلات المنفصله عن الإنسان کشعره و ظفره و رطوباته عدا اللبن، لعدم صلاحیتها للتملک، باعتبار عدم المنفعة المعتدبها غالباً حتی تدرج بذلک فی الأموال».

^۲ «یشترط فی العوضین فی البیع کونه متمولاً لأن البیع لغه مبادله مال بمال و قد إحترزوا بهذا الشرط عما لا ینتفع به منفعه مقصوده للعقلاء، محلله فی الشّرع؛ لان الأول لیس بمال عرفاً کالخنفس و الدیدان...؛ و الثانی لیس بمال شرعاً کالخمیر و الخنزیر».



و مشتری هم از عقلاست. جواب این اشکال آن است که: مالیت اشیا اگرچه متقوم به رغبت عقلا و رقابت آنان برای به دست آوردن اشیاء است، لکن، مراد از عقلا نوع آن‌هاست نه شخصی خاص؛ بنابراین، امثال مار و عقرب و... مال نخواهند بود؛ هرچند ممکن است فردی خاص از عقلا به آن‌ها رغبت داشته باشد»^۱ (خویی، ۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ۲۴).

مقدس اردبیلی بیان می‌دارد: «توجه نمی‌شود به اینکه منفعت مورد بحث نادر باشد؛ به طوری که قابل اعتنا نباشد... همچنین توجه نمی‌شود که آن نفع کم باشد... بلی، شرط این است که مقصود عقلا باشد و عقلا صرف کردن مال در مقابل آن را تجویز نمایند»^۲ (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ق. ۸، ص. ۵۳).

محقق خوانساری بیان می‌دارد: «در اینکه در صحت معامله و محقق شدن مالیت، منفعت قابل توجه عقلایی معتبر است و منفعت نادر کفایت نمی‌کند، هیچ اشکال وجود ندارد. چرا که معامله در شرایط وجود منفعت نادر سفیهی است»^۳ (خوانساری، ۱۴۰۵، ق. ۳، ص. ۱۳).

میرزا جواد تبریزی نیز بیان می‌دارد: «منظور از منفعت نادر (که سبب ایجاد مالیت در اشیا نمی‌شود)، منفعتی است که عقلا آن را حتی با عدم امکان استفاده از آن شیء در جهت دیگر، لحاظ نمی‌کنند»^۴ (تبریزی، ۱۴۲۷، ق. ۱، ص. ۵۷).

* نبود معتبر (اعتباردهنده) و مسئولیت‌پذیری قانونی

این دیدگاه بیان می‌دارد در یک تقسیم‌بندی می‌توان انواع مال را از منظر اعتباردهنده به چهار گروه تقسیم کرد که در شکل ۸ مطرح شده است. رمزارزهای جهان‌روا نه مال مصرفی با ارزش ذاتی محسوب می‌شود و نه مال اعتباری با اعتباردهنده مشخص (هیچ نهاد خاصی مانند بانک مرکزی مسئولیت قانونی در رابطه با آن‌ها را بر عهده نمی‌گیرد). مال اعتباری عرفی از نوع عرف عام نیز محسوب نمی‌شود؛ بلکه فقط عرف خاص در رابطه با آن‌ها وجود دارد که آن‌هم عمدتاً در بین سفته‌بازان با هدف کسب سود رایج است. این افراد نیز معمولاً دقتی در رابطه با پول، کالا، یا دارایی بودن رمزارزهای جهان‌روا ندارند و هدف آن‌ها صرفاً کسب سود است. به عبارت دیگر، سفته‌بازان نوعی عرف بی‌توجه هستند و از رفتار آن‌ها نمی‌توان دلالتی در رابطه با مالیت رمزارزها استخراج کرد؛ زیرا این افراد با دید مال بودن به خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا اقدام نمی‌کنند تا از رفتار آن‌ها بتوان مال بودن را نتیجه گرفت. بلکه این معاملات معمولاً بدون توجه به ماهیت و مالیت رمزارزهای جهان‌روا و فقط با هدف کسب سود انجام می‌شود.^۵

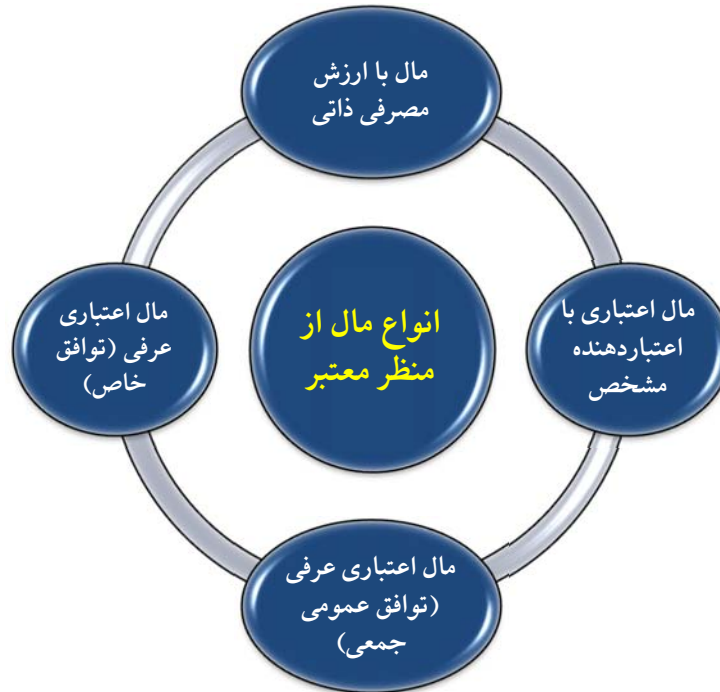
^۱ «قيل: إذا تعلق غرض المشتري باشتراء ما لا يعد مالا في نظر أهل العرف كان ذلك الغرض موجبا لعروض المالية له. لما عرفت أنه من أن ماله الأشياء متقومه ينظر العقلاء و رغبته فيها و من البدیهی، أن المشتري من أفرادهم و الجواب عن ذلك: أن ماله الأشياء و إن كانت متقومه برغبه العقلاء و تنافسهم فيها إلا أن المراد من العقلاء نوعهم دون الشخص الواحد. لاجل ذلك أن من اعتبر المالیة فی البیع فقد رتب علی اعتباره هذا، فساد بیع الحیات و العقارب و... و غیر ذلك مما لا يعد مالا في نظر نوع العقلاء و إن كان ذا رغبته لدى بعضهم».

^۲ «و لا ينظر ذلك النفع نادراً و عدم الإعتدال به...؛ و لا إلى قلته... نعم، يشترط كونه مقصوداً للعقلاء و تجویز صرف المال فيه».

^۳ «لا إشكال في إعتبار المنفعة القابلة لتوجه العقلاء في صحه معامله و تحقق المالیة و عدم كفاية المنفعة النادرة. لأن المعاملة بملاحظتها تعد سفیهة».

^۴ «إن المنفعة النادرة التي لا توجب المالیة للشيء هي التي لا يلاحظها العقلاء حتى مع عدم امکان صرف ذلك الشيء في الجهة الأخرى».

^۵ لازم به ذکر است که اگر اثبات می‌شد که سفته‌بازان به عنوان یک عرف خاص، ابتدا با دید مال بودن (و با در نظر گرفتن کارکردهایی مانند کاهش هزینه‌های مبادلاتی) به خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا اقدام می‌کنند و در ادامه ارزش سفته‌بازی برای این دسته از رمزارزها وجه غالب پیدا می‌کند، باز هم مالیت فقهی بر اساس نظر گروهی از فقها قابل اثبات بود؛ زیرا بر اساس نظر این دسته از فقها، همین که برخی از عقلاء (عرف خاص) با دید مال بودن به خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا اقدام کنند، جهت اثبات مالیت فقهی کفایت می‌کند.



شکل ۸. انواع مال از منظر اعتباردهنده در فقه

بنابراین، رمزارزهای جهانروا اعتباردهنده قانونی ندارد و هیچ‌کس مسئولیت‌پذیری حقوقی در رابطه با آنها به عهده نمی‌گیرد.^۱ به عبارت دقیق‌تر، هیچ داور و یا ناظر مرکزی در رابطه با رمزارزهای جهانروا وجود ندارد و این سبب می‌شود پاسخگویی قانونی در رابطه با آنها وجود نداشته باشد.

بر این اساس، اجرای احکام از طریق مسدودی حساب‌ها در رمزارزهای جهانروا امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال، اگر معامله‌ای که بر اساس عقد بیع انجام شده و ثمن معامله از رمزارزهای جهانروا بوده باشد، در صورتی که بعداً کشف شود که به هر دلیل عقد بیع باطل بوده است، امکان مسدود کردن حساب‌ها فراهم نیست. همچنین هر مشکل احتمالی که در آینده در ساختار فنی رمزارزهای جهانروا ایجاد شود، با پاسخگویی قانونی هیچ نهادی همراه نخواهد بود.

ممکن است در جواب به این اشکال (نبود اعتباردهنده) گفته شود هرچند رمزارزهای جهانروا دارای اعتباردهنده قانونی نمی‌باشد، اما نوعی «اعتباردهنده توزیع‌شده فنی و غیرمتمرکز» دارد که همان پروتکل و سیستم فنی رمزارزها جهانرواست. در واقع، این سیستمی است که به عنوان اعتباردهنده به رمزارزهای جهانروا عمل می‌کند.

به نظر می‌رسد این استدلال هم دارای اشکال است؛ زیرا اولاً، خود این سیستم و پروتکل نیازمند اعتباردهنده است و چنین اعتباردهنده‌ای در مورد رمزارزهای جهانروا موجود نیست. ثانیاً، در اینجا منظور از اعتباردهنده، معتبر قانونی است

^۱ لازم است توجه شود که الزامی برای یکسان بودن ناشر و اعتباردهنده رمزارزهای جهانروا وجود ندارد؛ یعنی امکان دارد شخص ثالثی نقش ضمانت و یا اعتباردهی به رمزارزهای جهانروا را برعهده بگیرد؛ اما در حال حاضر چنین ضمانت و یا اعتباردهندگی ثالثی نیز در مورد رمزارزهای جهانروا وجود ندارد.



که مسئولیت‌های حقوقی و قانونی را در مورد رمزارزهای جهان‌روا بر عهده می‌گیرد که واضح است سیستم و پروتکل به‌تنهایی نمی‌تواند چنین نقشی ایفا کند.^۱

* احتمال ایجاد اخلال و مسئله توهم مالیت

این دیدگاه بیان می‌دارد حتی اگر دیدگاه فقهایی مانند امام خمینی (ره) پذیرفته شود که بر اساس آن وجود هر نوع عرضه و تقاضا برای مالیت شیء کفایت می‌کند، اما باز هم این مسئله مشمول رمزارزهای جهان‌روا به‌مثابه مصداق نمی‌شود. دلیل این مسئله به پدیده «توهم مالیت» یا «اشیاء مشکوک‌المالیه» بازمی‌گردد که در منابع فقهی مطرح شده و می‌تواند در مورد رمزارزهای جهان‌روا مطرح شود. توضیح آنکه در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا این احتمال عقلایی وجود دارد که اخلال جدی در کل و یا بخشی از سیستم‌های فنی آن‌ها ایجاد شود و بر اثر این اخلال، این رمزارزها به‌طور کامل از بین بروند و یا اینکه ارزش آن‌ها به صورت شدید کاهش پیدا کند. این خود نشان می‌دهد که احتمال وجود توهم مالیت در رابطه با آن‌ها وجود دارد و این سبب باطل شدن ملکیت از ابتدای پذیرش آن‌ها به‌عنوان مال می‌شود.

اگر اشکال توهم مالیت پذیرفته شود، آنگاه نمی‌توان آن‌ها را به‌صورت قطع مال در نظر گرفت تا معاملات رمزارزهای جهان‌روا در ذیل قواعد عمومی معاملات مانند اصل صحت قرار گیرد؛ زیرا در اینجا مالیت رمزارزهای جهان‌روا احراز نمی‌شود و پیش‌نیاز استفاده از قواعد عمومی احراز مالیت است.^۲

امام خمینی در رابطه با بحث توهم مالیت بیان می‌دارد: «برخی گفته‌اند که مقوم مالیت یک شیء (به‌حسب حقیقت اعتباری آن) به‌خاطر میل و رغبت به آن است؛ پس قبل از آشکار شدن فساد، به‌علت میل مردم، صدق مال بودن می‌کرد و در ازاء آن حاضر به پرداخت بودند، اما پس از آن که آشکار شد اعتبار منقضی شده است، از مالیت ساقط می‌شود ... درحالی‌که چنین دیدگاهی مخالف بنای عقلاست! به دلیل آنکه چیزی که فسادش مکتوم بوده اما بعداً فساد آن ظاهر و معلوم شود، در چنین مواقعی نمی‌توان گفت بعد از آشکار شدن فساد از مالیت افتاده، بلکه باید گفت که از ابتدا توهم مالیت وجود داشته است ... چه‌بسا سر مطلب آن باشد که مالیت از سنخ اعتبارات بیهوده تسامحی نیست؛ بلکه مالیت داشتن از دو راه به‌دست می‌آید. درواقع، مالیت یا از امور واقعی نشئت گرفته است، مثل جایی که چیزی دارای خاصیت و اثر باشد و به‌خاطر خاصیت و اثر داشتن مورد رغبت و میل قرار گیرد و گاهی اختلاف قیمت و مالیت به‌خاطر عرضه کم و تقاضای زیاد به‌وجود می‌آید. پس اعتبار مالیت به‌صرف میل و خواسته مردم نیست؛ زیرا چه‌بسا ممکن است منشأ مالیت به‌خاطر امر توهمی بوده باشد، به علت آنکه فسادش مستور پنهان بوده و یا ذات آن مجهول بوده است. پس مهره‌ای که قیمتی نیست، اگر مردم خیال کنند که یا قوت صد دیناری است و به‌خاطر همین خیال و توهم به‌سمت آن میل کنند؛ مال

^۱ البته این احتمال قابل‌تأمل است که در آینده پروتکل‌ها و سیستم‌های رمزارزهای جهان‌روا به حدی توسعه پیدا کند که در کل دنیا کاملاً پذیرفته شود. در این شرایط عملاً این پروتکل‌ها نقشی اعتباردهنده پیدا می‌کند که اعتبار خود را از اعتماد عمومی در سطح کل دنیا به دست آورده است؛ اما در حال حاضر، پروتکل‌های رمزارزهای جهان‌روا از چنین جایگاهی برخوردار نیست.

^۲ از منظر دانش اصول فقه، استناد با قاعده عام در شبهات مصداقیه جایز نیست و استصحاب عدم جاری می‌شود. در اینجا هم شک وجود دارد که آیا رمزارزهای جهان‌روا (مانند بیت‌کوین) در نزد عرف و عقلاً حقیقتاً مال محسوب می‌شود و یا اینکه صرفاً توهم مالیت در مورد آن‌ها وجود دارد. بر اساس این شبهه، نمی‌توان معاملات آن‌ها را با استفاده از قواعد فقهی یا اصول لفظی عمومی (مانند اصل صحت معاملات) مورد تأیید قرار داد. به‌عبارت‌دیگر، اگر این اطمینان به صورت قطعی وجود داشت که از دید عرف و عقلاً رمزارزهای جهان‌روا دارای مالیت است و شک در این بود که آیا شرع چنین معاملاتی را می‌پذیرد یا نه، آنگاه با ارجاع به اصول لفظی عمومی حکم صحت معاملات استخراج می‌شد؛ اما در اینجا در کشف دیدگاه عرف و عقلاً در مورد مالیت رمزارزهای جهان‌روا ابهام وجود دارد.



محسوب نمی‌شود؛ به دلیل آنکه خاصیتی ندارد. چون خاصیت در یاقوت وجود دارد نه در مهره^۱ (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج. ۳، ص. ۵۲۲).

با توجه به کلیه نکات مطرح شده مشخص می‌شود که در بحث مالیت رمزارزها دو دیدگاه فقهی وجود دارد که هر دو دلایلی مهم دارند؛ بنابراین، اگر بخواهیم با رویکرد قانون‌گذاری و کشف نظر حداکثری فقهی در این رابطه اعلام نظر کنیم، می‌توان این‌طور بیان کرد که نه مالیت رمزارزهای جهان‌روا قابل احراز است و نه عدم مالیت آن‌ها؛ بنابراین، مالیت این دسته از رمزارزها به لحاظ فقهی با شبهه شرعی مواجه است.

۴-۲-۲ غرر

چالش دیگری که در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا به صورت جدی مطرح می‌شود، مسئله غرر است. در اینجا نیز می‌توان دلایلی در دفاع از نبود غرر و دلایلی در اثبات وجود غرر ارائه کرد که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف- دلایل فقهی نبود غرر در معاملات رمزارزهای جهان‌روا

بر اساس این دیدگاه، با دقت در ماهیت غرر و تفاوت آن با پدیده ریسک، می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ نوع غرری در رمزارزهای جهان‌روا و معاملات مرتبط با آن‌ها قابل تصور نیست. به لحاظ مفهومی، غرر واژه‌ای عربی است که معانی مختلفی چون خطر، خدعه، در معرض هلاک افتادن، فریب خوردن، و... دارد؛ اما به نظر می‌رسد اصلی‌ترین معنای لغوی که می‌توان برای غرر ارائه داد «خدعه» است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج. ۳، ص. ۳۷). به لحاظ اصطلاحی نیز در فقه اسلامی، به معامله‌ای که در آن نوعی از خدعه یا خطر وجود داشته باشد، معامله غرری گفته می‌شود. فقها از این قاعده در موارد گوناگون استفاده کرده‌اند؛ مثلاً، خطر حاصل از عدم وجود مبیع، عدم حصول مبیع، مبهم بودن جنس مبیع، مبهم بودن نوع مبیع، عدم تعیین دقیق مقدار مبیع، و... (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ص. ۳۱).

نکته مهم و کلیدی در مفهوم شناسی غرر، مسئله رابطه غرر و ریسک است. در این باره گاهی تصور می‌شود که هر نوع ریسک یا ریسک بالا سبب ایجاد غرر می‌شود. در حالی که بین مقوله غرر و ریسک تفاوت وجود دارد. در واقع، اگر ریسک و نااطمینانی ناشی از جهالت و ابهام در ارکان قراردادهای (مثلاً ثمن و مثن در قرارداد بیع) باشد، مصداق غرر خواهد بود؛ اما چنانچه ریسک ناشی از ابهام و جهالت نسبت به آینده دارایی باشد، مصداق غرر نیست و از این حیث معامله اشکالی نخواهد داشت. برای مثال، کسی که با دریافت تسهیلات از بانک اقدام به خرید خودرو می‌کند، اگر نسبت به نوع خودرو، زمان تحویل، و قیمت خرید ابهام داشته باشد، معامله غرری و باطل خواهد بود؛ اما اگر ابهام مربوط به تغییرات قیمت دارایی در آینده باشد، اگرچه خرید چنین خودرویی ریسک و مخاطره دارد، مصداق غرر نخواهد بود. بلکه ریسک اساس هر فعالیت اقتصادی است و در اکثر عقود اسلامی وجود دارد (بهاروندی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴).

^۱ فقد وجهه بعض بأن مالیه الشیء بحسب حقیقتها الاعتباریة عند العقلاء متقومة بمیل النوع و رغبتهم فیه، فقبل تبین الفساد، تكون تلك الأعیان مالا حقیقة؛ لمیل الناس إليها و بذل المال بآرائها و عند التبیین ینقضی أمد الاعتبار، فتسقط عن المالیه حقیقة؛ لسقوط موضوعها، فالبیع صحیح و واقع بین مالین حقیقة... أن ذلك مخالف لما علیه العقلاء. فإن الشیء الفاسد الذی كان فساده مكتوماً، إذا ظهر و تبین فساد، لا یقال: «إنه سقط حال التبیین عن المالیه» بل یقال: «إنه توهّم فیه المالیه... و لعلّ السرّ فیه: أن المالیه لیست من الاعتباریات الجزائیة، بل ناشئة من الأمور الواقعیة، ككون الشیء ذا خاصیة و أثر، بهما بصیر مورد الرغبة و المیل، و قد یكون اختلاف القیم و المالیات لعمرة الوجود أو قلته، و كثرة الحاجة و عوامل أخر. فلا یكون اعتبار المالیه، لمحض میل الناس، و لو نشأ عن أمر متوهم فیما هو مستور الفساد أو مجهول الذات، فالخرزة التي لا قیمة لها، لو تخیلها الناس یاقوتة تساوی مائة دینار، فمالوا إليها لهذا التوهم، لا تصیر مالا واقعا؛ لعدم الخاصیة التي للیاقوتة فیها».



در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا نیز زمانی که فرد به خرید آن‌ها اقدام می‌کند، از مقدار، ارزش دلاری یا ریالی آن‌ها، زمان تحویل، و غیره اطلاعات کامل دارد و فقط ممکن است اگر رمزارزها را نگه دارد در آینده با نوسانات قیمتی و ریسک مواجه شود. در اینجا ابهامی در ارکان قرارداد وجود ندارد و این ریسک منجر به ایجاد جهل و ابهام در ارکان قرارداد (ثمن و مثن) نمی‌شود، از این رو، چالش غرر در مورد رمزارزهای جهان‌روا قابل‌پذیرش نیست.

ب- دلایل فقهی وجود غرر در معاملات رمزارزهای جهان‌روا

این دیدگاه معتقد است که اگر چالش توهم مالیت را در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا بپذیریم، آنگاه این چالش می‌تواند منجر به غرر شود. چرا که فرد کالایی را می‌فروشد که ماهیت و ذات آن دارای ابهام است و هر لحظه امکان دارد که این مالیت به‌طور کامل و یا به صورت بخشی از بین برود. لذا ماهیت ثمن در این معاملات با ابهام مواجه است و این ابهام در ارکان قرارداد می‌تواند منجر به ایجاد غرر شود (مانند معامله انگشتی که شک وجود دارد از یاقوت است یا بدلی است). علاوه بر این، نوسانات شدید ارزش برخی از رمزارزهای جهان‌روا مانند بیت‌کوین در دوره‌های زمانی کوتاه مدت نشان می‌دهد که این نوسانات از ضابطه و قاعده‌مندی مشخصی برخوردار نیست و در بسیاری از مواقع، امکان تحلیل و پیش‌بینی آن نیز اساساً وجود ندارد. همین نوسانات شدید و نداشتن قاعده‌مندی مشخص و قابلیت تحلیل، می‌تواند وجود شبهه غرر را تقویت کند.

با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد در مورد رمزارزهای جهان‌روا شبهه غرر نیز به صورت جدی مطرح است. چرا که بر اساس برخی دلایل فقهی می‌توان معتقد به وجود غرر در رمزارزهای جهان‌روا بود.

۴-۳ احکام استخراج و مبادله

پس از بحث در رابطه با مالیت و چالش‌های فقهی رمزارزها، نوبت به دو مقوله استخراج و مبادله (خرید و فروش) آن‌ها می‌رسد. بر اساس فقه اسلامی، مجاز بودن معامله اشیا در وهله نخست منوط به مالیت آن‌هاست؛ یعنی اگر مالیت یک شیء پذیرفته نشود، آنگاه کل معاملات ثانوی آن نیز قابلیت پذیرش نخواهد داشت (قاعده فقهی: زمانی که خداوند شیء خاصی را حرام می‌کند، معامله و دریافت ثمن بابت آن نیز حرام کرده است)^۱. در مقابل اگر مالیت یک شیء احراز شود، آنگاه بر اساس عموماًتی چون اصل صحت و لزوم قراردادها، می‌توان حکم به صحت معاملات آن شیء داد (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص. ۷۸).

همان‌طور که ملاحظه شد شبهاتی مانند نبود مالیت و غرر صرفاً در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا (مانند بیت‌کوین) وارد است و در رابطه با بقیه توکن‌ها قابل‌تصور نیست. لذا خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا با شبهه شرعی مواجه است، اما مبادله رمزارز بانک مرکزی و بقیه توکن‌ها بدون اشکال است.

در رابطه با استخراج (انتشار) به دلیل وجود شبهه شرعی در رابطه با مالیت و مبادله رمزارزهای جهان‌روا، استخراج آن‌ها جهت استفاده در داخل کشور با شبهه شرعی مواجه است؛ اما استفاده از آن‌ها به عنوان «کالای صادراتی» بلا اشکال است. در فقه اسلامی این مسئله تحت عنوان «تولید مال نامشروع» مورد بحث قرار می‌گیرد. در واقع، تولید کالاهایی که

^۱ «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَّهُ».

^۲ لازم به ذکر است، مفهوم مخالف این قاعده الزاماً صحیح نیست؛ یعنی نمی‌توان گفت اگر شیء خاصی حلال بود، آنگاه الزاماً خرید و فروش و معاملات آن نیز صحیح است. مثلاً نور خورشید، هوا، و غیره از جمله اشیائی هستند که هر چند حلال هستند، خرید و فروش آن‌ها به دلیل عدم مالیت حرام و باطل است.



مصرف آن برای مسلمانان حرام یا دارای شبهه است (مثلاً تولید و پرورش خرگوش و قورباغه) به قصد فروش به کسانی که آن را حلال می‌دانند، اشکالی ندارد (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۱، ص. ۵۵).

۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این گزارش تلاش کرد تا به تحلیل ماهیت، استخراج، و مبادله انواع رمزارزها و توکن‌ها از منظر فقه اسلامی با رویکرد فراهم‌سازی بستر برای مقررات‌گذاری آن‌ها بپردازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که به‌لحاظ موضوع‌شناسی رمزارزها و توکن‌ها به‌عنوان پدیده مستحدث محسوب می‌شود که استفاده از آن‌ها در سطح بین‌المللی و ملی با سرعت قابل‌توجهی در حال رشد است. شناسایی دقیق ماهیت آن‌ها که می‌تواند پول (ابزار پرداخت)، دارایی، و کالا باشد، در تحلیل موضوع دارای اهمیت است. همچنین گونه‌شناسی دقیق رمزارزها و شناسایی تفاوت‌های رمزارزهای جهان‌روا، رمزارز بانک مرکزی، توکن‌های بهادار، و توکن‌های کاربردی نیز اثرگذاری مهمی در درک درست کارکردهای رمزارزها به‌همراه دارد.

به‌لحاظ حکم‌شناسی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که زیرساخت‌های فقهی پذیرش رمزارزها به‌عنوان ابزار، راهکار، یا نهاد منطبق با شریعت فراهم است. برخی از این زیرساخت‌های فقهی عبارت‌اند از: اصل صحت و لزوم قراردادها، عرفی بودن مفهوم پول، عرفی بودن مفهوم مال و مالیت، و پذیرش تمام انگیزه‌های عقلایی در چهارچوب شریعت.

باین‌حال در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا دو چالش عدم‌احراز مالیت و غرر به‌صورت جدی قابل‌تأمل است. در زمینه مالیت مباحثی چون نبود عرف عام، فقدان معتبر (اعتباردهنده) و مسئولیت‌پذیری قانونی، و همچنین احتمال توهم مالیت قابل‌تأمل است و در زمینه غرر نیز نوسانات شدید و غیرضابطه‌مند این نوع رمزارزها قابلیت تأمل دارد. با توجه به این موارد می‌توان مدعی بود که نه مالیت رمزارزهای جهان‌روا قابل‌احراز است و نه عدم مالیت آن‌ها و به همین دلیل، استفاده از آن‌ها در عمل می‌تواند با شبهه شرعی مواجه باشد. باین‌حال ممکن است در آینده با توسعه این دسته از رمزارزها شبهات مذکور برطرف شود که طبعاً احکام تابع موضوعات بوده و در این صورت حکم شرعی رمزارزها نیز تغییر خواهد کرد.

همچنین، شبهات و چالش‌های فقهی ذکرشده صرفاً در رابطه با رمزارزهای جهان‌روا قابل‌تصور بوده و هیچ‌یک از آن‌ها در رابطه با رمزارز بانک مرکزی و یا توکن‌های بهادار یا کاربردی قابل‌طرح نیست. چرا که رمزارز بانک مرکزی دقیقاً مانند ریال تحت نظارت و کنترل قانون بانک مرکزی بوده و توکن‌ها نیز تحت نظارت و پاس‌خگویی ارائه‌دهندگان خود هستند. لذا این دسته از رمزارزها دارای معتبر قانونی و مشخص است و شبهه‌ای در رابطه با آن‌ها به‌صورت ذاتی قابل‌تصور نیست. علاوه‌براین، شبهات مذکور فقط مبادله رمزارزهای جهان‌روا در داخل کشور را با چالش فقهی مواجه می‌سازد و لذا استخراج آن‌ها به‌عنوان «کالای صادراتی» به‌لحاظ شرعی بلااشکال است. کلیه یافته‌های حوزه حکم‌شناسی تحقیق در جدول ۳ بیان شده است.



جدول ۳. انواع رمزارزها و توکن‌ها از منظر ضوابط فقه اسلامی

مبادله	استخراج	ضوابط فقهی					انواع
		نبود ربا	نبود ضرر	نبود قمار	نبود غرر	مالیت	
شبهه	✓	✓	✓	✓	شبهه	شبهه	رمزارزهای جهان‌روا
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	رمزارز بانک مرکزی
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	توکن‌های بهادار (مانند پیمان)
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	توکن‌های کاربردی

۶ توصیه‌های سیاستی

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، به نظر می‌رسد تاکنون ادبیات فقهی رمزارزها به‌طور عمده بر روی یکی از مصادیق خاص رمزارزهای جهان‌روا یعنی بیت‌کوین متمرکز شده است. درحالی‌که انواع دیگر توکن‌ها مانند رمزارز بانک مرکزی، رمزارزهای بهادار (مانند سهام توکن‌محور، صکوک توکن‌محور، و غیره)، توکن کاربردی جهت احراز هویت، حق تقدم در استفاده از محصولات، و غیره همگی قابلیت استفاده دارد. بر این اساس توصیه می‌شود در عمل، مقررات‌گذاری برای استفاده از رمزارز بانک مرکزی و انواع توکن‌ها در بازارهای پول و سرمایه پیگیری شود. به‌طور مشخص دو پیشنهاد کوتاه‌مدت و میان‌مدت ذیل در حوزه مقررات‌گذاری رمزارزها پیشنهاد می‌شود:

الف- تدوین لایحه یا طرح مشخص در رابطه با رمزارزها و توکن‌ها جهت ارسال به مجلس و طی مراحل قانون‌گذاری (میان‌مدت)؛ و

ب- بررسی ابعاد شرعی رمزارزها و توکن‌ها در شورای فقهی بانک مرکزی (کوتاه‌مدت)



منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی و عربی

- انصاری، م. (۱۴۰۶ ق.). کتاب المکاسب. ج. ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بهاروندی، ا. (۱۳۸۸). «بیان و اثبات تفاوت ماهوی معاملات مبتنی بر غرر و قراردادهای پوشش ریسک از منظر فقه امامیه». راهبرد توسعه، ۱۸.
- بهرامی احمدی، ح. (۱۳۹۰). قواعد فقه. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- تبریزی، م. ج. (۱۴۲۷ ق.). ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۹۱). توضیح المسائل مراجع مطابق با فتاوی سبزه نغری از مراجع معظم تقلید. چاپ بیستم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جداری عالی، م. (۱۳۸۳). ارزش و مالیت در فقه و اقتصاد. رساله علمی سطح سه حوزه علمیه، به راهنمایی آیت الله محمدحسن احمدی فقیه یزدی، قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه.
- حکیم، س. م. (۱۳۹۰ ق.). نهج الفقاهه. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- خردمند، م. (۱۳۹۸). «بررسی فقهی استخراج و مبادله رمزارزها با تمرکز بر شبکه بیت کوین». فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۰.
- خوانساری، س. الف. (۱۴۰۵ ق.). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خویی، س. الف. (۱۳۷۷). مصباح الفقاهه. قم: مکتبه الداوری.
- سلیمانی پور، م.، سلطانی نژاد، ح. و پورمطهر، م. (۱۳۹۶). «بررسی فقهی پول مجازی». دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ۶.
- سید حسینی، م. و دعایی، م. (۱۳۹۳). «بیت کوین: نخستین پول مجازی». ماهنامه بورس، ۱۱۴.
- طباطبایی یزدی، س. م. ک. (۱۴۲۰ ق.). العروة الوثقی. جلد ۵. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- عربی، س. ه. میثمی، ح. ۱۳۹۷، پول و بانکداری با رویکرد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عیو ضلو، ح. رضائی صدرآبادی، م. و نوری، ج. (۱۳۹۸). «تحلیل فقهی- حقوقی مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی». فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۷۷.
- محقق داماد، س. م. (۱۳۸۱). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرکز پژوهش های مجلس. (۱۳۹۳). بیت کوین: ابزاری نوین در نظام پرداخت های الکترونیکی. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- مطهری، م. (۱۳۸۹). فقه و حقوق (مجموعه آثار). تهران: مرکز نشر استاد شهید مطهری.
- مقدس اردبیلی، الف. (۱۴۰۳ ق.). مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۱۵ ق.). المکاسب المحرمه. ج. ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۱ ق.). البیع. ج. ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۱ ق.). البیع. ج. ۳، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسویان، س. ع. و میثمی، ح. (۱۳۹۶). بانکداری اسلامی (۲): بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست گذاری پولی و ارزی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، س. ع. و میثمی، ح. (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری- تجارب عملی. ویرایش ششم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.



میرزاخانی، ر. (۱۳۹۶). بیت‌کوین و ماهیت مالی-فقهی پول مجازی. تهران: مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار.

نجفی، م. ح. (۱۴۱۷ ق.). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام. جلد ۳. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نراقی، م. ا. (۱۴۱۵ ق.). مستند الشیعه فی أحكام الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

نواب‌پور، ع.، یوسفی، الف، و طالبی، م. (۱۳۹۷). «تحلیل فقهی کارکردهای پول‌های رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت‌کوین)». فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۷۲.

ب- منابع انگلیسی

Adam, M. F. (2017). Bitcoin: Shariah Compliant. Bahrain: Amanah Finance Consultancy.

Bank for International Settlements (BIS). (2018). *Cryptocurrencies: looking beyond the hype*. New York: BIS publication.

Chiu, J. and Koeppl, T. (2019). *Cryptocurrencies: Bitcoin and Beyond*. Bank of Canada Working Paper No. 2019-40.

Evans, C. (2015). Bitcoin in Islamic banking and finance. *Journal of Islamic Banking and Finance*, V. 3, N. 1.

German Federal Financial Services Supervisory Authority (BaFin). (2018). *guidance for German ICO issuers and advisors*. Berlin: BaFin publication.

IMF. (۲۰۱۶). *Virtual Currencies and Beyond: Initial Considerations*. IMF Staff Discussion Note, N. SDN/16/03.

Ivashchenko, A. I. (2016). *Using cryptocurrency in the activities of Ukrainian small and medium enterprises in order to improve their investment attractiveness*. London: Academic Press.

PwC Legal Switzerland, (2018). *A primer on the regulation of trading in cryptocurrencies and asset management related to cryptocurrencies in Switzerland*. Geneva: PwC publication.

Swiss Financial Market Supervisory Authority (FINMA). (2018). *Guidelines for enquiries regarding the regulatory framework for initial coin offerings (ICOs)*. Geneva: FINMA publication.

The Library of Congress. (2019). *Regulation of Cryptocurrency Around the World (Legal Report)*. New York: Library of Congress publication.

UK Financial Conduct Authority (FCA). (2019). *Guidance on Cryptoassets (Consultation Paper number CP19/3)*. London: FCA publication.



پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، پلاک ۱۰
کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

www.mbri.ac.ir